



شورای عالی حوزه علمیه

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

مدرسه علمیه ریحانه النبى (صلی الله علیه و آله)

شهرستان شادگان

عنوان مقاله:

اهمیت تربیت کودک و اصول آن از منظر اسلام

پژوهشگران:

خدیجه آلبومسعود، الهام حمید، فاطمه خنفری، سعاد دورقی و فضیله صوفی

پاییز ۱۳۹۶

## چکیده

بچه همان زمانی که به دنیا می‌آید غریزه علم یابی او زنده است و از جمله غرایزی که زنده بالفعل و وابسته به علم یابی است غریزه محبت یابی است. همان طوری که وقتی بچه به دنیا می‌آید غذا می‌خواهد و فطرتش پستان مادر را طلب می‌کند، نیز فطرتش ناز می‌خواهد، دست نوازش مادر را طلب می‌کند؛ پس پدر و مادران توجه داشته باشند که حتما بچه را خود مادر شیر دهد، بچه را شیرخوارگاه نبرند، بچه را به مهد کودک ن سپارند؛ همه والدین این را می‌دانند بچه یک ماهه را وقتی که نوازشش کنی، روی او بخندی، تبسم کنی، او نیز می‌خندد و تبسم می‌کند، و اگر سر او داد بزنی گریه می‌کند و ...

سبب ارائه این تحقیق تبیین این است که یک فرزند از همین کودکی نیازمند به تربیت دینی و اسلامی می‌باشد و نباید تربیت را فقط در آداب معاشرت و چگونگی خوردن و خوابیدن دانست؛ بلکه تربیت لحظه به لحظه عمر و همه ابعاد زندگی انسان را دربر خواهد گرفت. ما در مقاله پیش رو به علت احساس چنین ضرورتی، مباحث زیر را بررسی می‌کنیم: اهمیت تربیت فرزندان و احترام به آنان، چگونگی رابطه با فرزندان، زمان، تأثیر و چگونگی تربیت دینی، اهمیت سن تکلیف، اقدامات کلی والدین و ...

**کلید واژه:** آداب، تربیت، فرزند، اسلام، دین و والدین.

## فصل اول: ارزش کودک در اسلام

مقدمه	۱
تعریف کودک	۲
ارزش کودک از دیدگاه اسلام	۲
عشق ورزی به کودک از دریچه دین	۳
ارزش کودک از دیدگاه اسلام	۴
احیاء شخصیت کودک	۵
استحباب بازی با کودک	۶

## فصل دوم: دوره تربیتی کودک

دوره های تربیتی	۷
قبل از تولد	۷
بعد از تولد	۷
کودکی اول یا دوران سیادت و نونهالی ( ۰-۷ )	۸
کودکی دوم یا دوران اطاعت و نوباوگی ( ۷-۱۴ )	۹
کودکی سوم یا دوران وزارت و نوجوانی ( ۱۴-۲۱ )	۹
نقش پدر در تربیت	۱۰
نقش مادر در تربیت	۱۰

## فصل سوم: اهمیت تربیت

آغاز تربیت	۱۲
تربیت خوب	۱۲
تأثیر سن در تربیت	۱۴
تربیت با عمل	۱۵

پرهیز از اختلافات خانوادگی ..... ۱۶

ناآگاهی خانواده از وظیفه فرزند پروری ..... ۱۷

#### فصل چهارم: تفاوت تربیت دختران و پسران

وظایف والدین در تربیت ..... ۱۹

نوع دختر و پسر ..... ۲۳

علت تفاوت تربیت ..... ۲۳

بهترین نوع تربیت ..... ۲۵

اسلام و تربیت ..... ۲۵

زیان همانندی در تربیت ..... ۲۵

تربیت جنسی کودک ..... ۲۶

#### فصل پنجم: آشنایی کودکان با اهل بیت علیهم السلام

کودکان و سیره اهل بیت (علیهم السلام) ..... ۲۷

آشنایی با القاب اهل بیت (علیهم السلام) ..... ۲۷

آشنایی با ویژگیهای اهل بیت (علیهم السلام) ..... ۲۸

آشنایی با فضائل اهل بیت (علیهم السلام) ..... ۲۹

آشنایی با تشویق ..... ۲۹

آشناسازی با پرسش و پاسخ ..... ۲۹

آشنایی با داستانهای معصومان (علیهم السلام) ..... ۳۰

#### فصل ششم: اصول تربیت دینی کودک (۱)

اصول تربیت دینی کودک ..... ۳۱

اصل اول: توجه به توان و ظرفیت افراد ..... ۳۱

اصل دوم: مسامحه و تغافل ..... ۳۲

اصل سوم: آماده‌سازی روانی کودک ..... ۳۲

اصل چهارم: گفتار غیر مستقیم ..... ۳۳

اصل پنجم: تصویرپردازی و تجسم بخشی به مفاهیم دینی ..... ۳۳

اصل هشتم: تنوع الگوها ..... ۳۳

اصل هفتم: احترام و محبت به مخاطب ..... ۳۴

### فصل هفتم: اصول تربیت دینی کودک (۲)

اصل هشتم: تشویق به جای تنبیه ..... ۳۵

اصل نهم: تدریج و تمرین ..... ۳۶

اصل دهم: تأثیرپذیری از والدین ..... ۳۶

اصل یازدهم: مشاوره ..... ۳۷

اصل دوازدهم: عشق به زیبایی و جمال ..... ۳۷

اصل سیزدهم: همراهی با مخاطب ..... ۳۸

نتیجه گیری ..... ۳۹

منابع و مآخذ ..... ۴۱

## مقدمه

فرزند انسان نتیجه آمال و آرزوهای او می‌باشد؛ زیرا که او ثمره حیات وی محسوب می‌گردد که به عنوان جانشین در روی زمین باقی می‌ماند. شایسته است که این نماینده واقعی انسان، به خصوصیات ویژه‌ای آراسته گردد، و نمی‌توان به این هدف نایل گردد؛ مگر اینکه فرزند را به آداب نیکو تربیت نمود.

القائات و یادگیری مذهبی، از شایع‌ترین القائات محیط پرورشی کودک می‌باشد. به لحاظ اینکه، کودکی که در یک خانواده مسلمان به دنیا آمده باشد، بر اثر تربیت والدین آن خانواده، مسلمان تربیت می‌شود و کودکی که در یک خانواده مسیحی به دنیا آمده باشد، بر اثر تربیت آن خانواده، مسیحی خواهد گردید و همین طور یهودی و ... می‌توان چنین نتیجه گرفت که پذیرش دین کودک از طرف والدین نمی‌تواند یک دین واقعی باشد؛ زیرا والدین، آن را بر اساس تعصبی که دارند به فرزندان خود القاء نموده‌اند.

دوران طفولیت مهمترین اوقات زندگی کودک است اگر طفل در این دوران درست تربیت شود تا آخر عمر سعادتمند است طفل با یک فطرت پاک به دنیا می‌آید این پدر و مادر و اطرافیانند که با اخلاق و صفات حمیده آن راه پاک را ادامه می‌دهند و یا انحرافات روحی و صفات رذیله را به او نشان می‌دهند پس سعادت و شقاوت کودک به نحوه هدایت والدین بستگی دارد.

در تربیت اسلامی تمام تلاش بر این است که پلی بین عقل و قلب کودک ایجاد شود تا با ایجاد ارتباط این دو با هم شکوفا شدن استعداد در کودک سریعتر انجام گیرد دومین امری که در تربیت دینی مؤثر است نوع نگاه جامعه به جایگاه اجتماعی دین است در این مورد با دو دیدگاه مواجه می‌شویم. دیدگاه اول دین را نوعی اعتقاد شخصی می‌داند و ارزش‌های تربیتی و هنجارها را جامعه تعیین می‌کند و دین دخالتی در تعیین آنها و جهت‌دهی به سوی آنها ندارد در حالیکه با توجه به دیدگاه دوم دین هدایتی است که تمام جوانب زندگی را در بر می‌گیرد و در زمینه تربیتی نیز دین دارای ارزش‌ها و هنجارهاست و فرد و جامعه را به سوی تحقق آن ارزش‌ها دعوت می‌کند.

## فصل اول: ارزش کودک در اسلام

### تعریف کودک

### ارزش کودک از دیدگاه اسلام

کودک چه دختر و چه پسر از بزرگترین و با منفعت‌ترین نعمت‌هایی است که خداوند به بندگانش عنایت کرده است. حضرت ابراهیم (علیه السلام) فرزندی نداشت و از این بابت اندوهگین بود و از خداوند خواست که فرزندی به او عنایت کند و خداوند هم اسماعیل و اسحاق را به او داد که اسحاق ریشه انبیاء الهی تا زمان مسیح شد و اسماعیل ریشه خاتم انبیاء و امامان معصوم (علیهم السلام) شد.

کودک نعمت والایی است که منبع خیر و کرامت است و سود دنیا و آخرت برای انسانی با ایمانی که به خدا دارد فرزندی مؤمن و صالح و شایسته تربیت می‌کند.

اسحاق بن عمار از امام ششم (علیه السلام) روایت می‌کند. شخصی گفت در داشتن فرزند بی‌رغبت بودم تا توفیق وقوف در عرفات نصیبم شد در کنارم نوجوانی را دیدم که دعا می‌کرد و اشک می‌ریخت و می‌گفت:

«یا رب والدیّ والدیّ فرغّبنی فی الولدِ حین سمعتُ ذلک».

خداوندا پدر و مادرم، پدر و مادرم، با شنیدن دعای او نسبت به پدر و مادرش، شوق پیدا کردن فرزند در من پدید شد.<sup>۱</sup>

پدر و مادرانی که در قید حیات نبوده و دستشان از دنیا کوتاه است در صورتیکه فرزندان پاک و صالحی تربیت کرده باشند از کار خیر فرزندان‌شان در دنیا بی‌بهره نخواهند ماند.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است که:

پنج نفر از دنیا رفته‌اند ولی پرونده آنان بسته نشده و دائم به آنها ثواب می‌رسد، کسی که درختی کاشته، چاه آبی برای بهره‌برداری مردم حفر کرده، مسجدی ساخته، قرآنی نوشته، فرزند شایسته‌ای از او به جا مانده.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. حسین انصاریان، برداشت از نظام خانواده در اسلام، صص ۴۱۳-۴۰۹.

<sup>۲</sup>. محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، جلد ۱۰۴، تهران، بی‌تا. بی‌نا.

داشتن فرزند سود زیادی برای والدین دارد در این زمینه روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که:

«فِي الْمَرْضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ أَنَّهُ كِفَارَةُ الْوَالِدِيهِ»<sup>۱</sup>.

بیماری فرزند كفاره گناهان پدر و مادر است.

چون فرزند عزیز پدر و مادر است و آنها حاضر نیستند حتی رفتن خاری در دست او را تحمل کنند به هنگام بیماری کودک غم و اندوه سراسر وجود آنها را فرا گرفته و همین خود باعث آمرزش گناهانشان می‌گردد. فرزند گلی خوشبو و هدیه‌ای است که از طرف خداوند به بندگان هدیه شده است که اگر قدر این هدیه را خوب بدانیم و از آن همانطور که اسلام خواسته مواظب کنیم هم سعادت دنیا و آخرت او را و هم خیر و نیکی برای خود فراهم کرده‌ایم.

بہتر است در این جا به بیان داستانی در این زمینه بپردازیم.

در تهران قناتی حفر شد که حفرکننده آن مردی بود به نام حاج علیرضا. مردم آن شهر در حدود صدسال از آب آن قنات استفاده می‌کردند یکی از علمای آن زمان فرمود کسی او را به خواب دیده که در باغی بزرگ کنار نهری بوده که آن باغ، یکی از باغهای بهشت بود و نهر هم نهر بهشتی بود. در خواب گفت که هم باغ و هم نهر به پاداش حفر آن قنات به من داده شده ولی ای کاش فرزندی داشتم که به ازای گفتن یک (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) بهره‌ای عظیم از اقرار او به توحید نصیب من می‌شد. پس نباید داشتن فرزند را دست کم گرفت و وجود او را زمینه‌ای برای آمرزش خود بدانیم البته به شرطی که در تربیت او کوتاهی نکرده که در غیر اینصورت آتش جهنم را با دنیا آمدن کودک برای خود خریداری کرده‌ایم.<sup>۲</sup>

## عشق‌ورزی به کودک از دریچه دین

گروهی از افراد هستند که به فرزندان خود علاقه‌ای ندارند و یا اگر علاقه‌ای است آنرا اظهار نمی‌کنند و در برخورد با کودک روشی غیرانسانی و غیراخلاقی را بر می‌گزینند و با این کار رحمت خداوند را از خود دور می‌کنند.

«إِنَّ اللَّهَ يَرْحَمُ الْعَبْدَ لَشِدَّةِ حَبِّهِ لَوْلَاهُ». همانا خداوند به بنده‌اش به خاطر شدت عشقش به فرزندان رحم می‌کند. اگر انسانی با فرزند خود بدرفتاری کرد و با او خشن برخورد کرد خداوند هم به خاطر این عمل ناپسند با او با خشم و غضب برخورد خواهد کرد در این زمینه امام موسی کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: «أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيْسَ يَغْضَبُ لِشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَالصِّبَانِ». خداوند بزرگ به چیزی مانند خشمش به نفع زنان و کودکان خشم نمی‌گیرد.

<sup>۱</sup> . محمد بن علی بن یعقوب بابویه، صدوق .

<sup>۲</sup> . حسین، انصاری، برداشت از نظام خانواده در اسلام، ص ۴۱۳-۴۰۹



امام ششم (علیه السلام) فرمود: موسی در کوه طور به حضرت حق عرضه داشت: خداوندا چه عملی نزد تو برترین عمل است؟ خداوند فرمود دوست داشتن اطفال<sup>۱</sup>.

در مورد دوست داشتن و بوسیدن اطفال سفارشات زیادی شده است که نباید آنها را از نظر دور داشت. فتال نیشابوری که از دانشمندان بزرگ شیعه است در کتاب روضه الواعظین از معصوم روایت می‌کند: فرزندان خود را زیاد ببوسید که به هر بوسیدنی درجه‌ای در بهشت نصیب شما می‌شود درجه‌ای که طول مسیر آن پانصد سال راه است<sup>۲</sup>.

## ارزش کودک از دیدگاه اسلام

در جهان امروزی تربیت کودک یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی در زندگی خانواده‌هاست. در چهارده قرن پیش در روزگار تیره جهل و نادانی بشر، در دنیای عقب‌افتاده حجاز پیامبر گرامی اسلام به اهمیت و ارزش پرورش کودک توجه کامل داشتند و در مورد تربیت کودکان تعالیم زیادی را به پیروان خود آموختند.

اسلام در مورد تمام مسائل کودک از ابتدای ازدواج زن و مرد و از نظر پاکی نسل و شیردادن مادر به کودک و پرورش جسم و جان کودک قدم به قدم وظایفی را بیان کرده که بر والدین لازم است این امور را برای سعادت کودکشان انجام دهد.

امروزه برنامه‌های تربیتی زیادی از طرف دانشمندان و روانشناسان جهان ارائه گردیده که این برنامه‌ها را اسلام در قرنهای گذشته به طور واضح بیان نموده است. چه بسیار مطالب علمی زیادی از طرف رهبران اسلام درباره کودک یا سایر موضوعات بیان شده اما به دلیل مشکلات، ثبت و نوشته نشده و به دست ما نرسیده‌اند.

قسمت عمده مشکلات اجتماعی و آلودگیهای اخلاقی جوانان از محیط خانواده گرفته می‌شود و به دلیل تربیت‌های نادرست در دوران کودکی می‌باشد که سبب ایجاد مشکلات روحی و معنوی کودکان می‌گردد.

گاهی پدر و مادر دارای اخلاق شایسته‌ای نیستند و از خلق و خوی ناپسند برخوردارند و فرزندان را با همان خلق و خوی مذموم تربیت می‌کنند. این کودکان در محیط خانواده تربیت نادرست را می‌آموزند و با انحراف رشد می‌یابند بدیهی است زمانیکه این کودکان بزرگ شده و وارد محیط جامعه می‌گردند چیزی جز فساد و پلیدی به بار نخواهند آورد.

از نظر پی‌ریزی اساس زندگی انسان، دوران کودکی از اهمیت بالایی برخوردار است. تربیت درست یا غلط کودک مقدمه خوبیها و بدیهایی است که کودک در دوران زندگی‌اش دارد. انسان در طول حیات عمرش برطبق خلق و خوی خود عمل می‌کند و پایه و بنیان خلق و خویش در دوران کودکی ساخته می‌شود.

<sup>۱</sup>. محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ص ۹۷.

<sup>۲</sup>. حسین، انصاریان، همان، ص ۴۱۵ و ۴۱۴.

در این زمینه در قرآن کریم آمده است:

اعمال و افعال هر انسانی بر طبق شالکه اوست.

امری که کاملاً روشن است این است که ادراک زمان کودکی و وقایع و تجربه‌های او در طول زندگی بر شخصیت او اثر زیادی دارد و اینگونه ادراکات و تجارب می‌توانند سلامتی، بیماری، خوشبختی و یا بدبختی او را در تمام عمر آنها پی‌ریزی کند.<sup>۱</sup>

## احیاء شخصیت کودک

تمام سعی و تلاش پدر و مادر می‌بایست برای مستقل بار آمدن فرزندان‌شان باشد. پس بر آنها لازم است که از همان اوان کودکی به این امر مهم توجه نشان داده و با رفتار و گفتار خود اینگونه شخصیت را در کودکان خود پرورش دهند و با کودک طوری برخورد نمایند که او استقلال خود را باور کرده و خود را به عنوان عضوی از خانواده قبول داشته باشد. یکی از طبیعی‌ترین راهها برای ایجاد شخصیت در کودک احترام به کودک و دوری کردن از هرگونه توهین و تحقیر به او می‌باشد این مطلب در حدیث نبوی نیز به چشم می‌خورد. که می‌فرماید: (اکراموا اولادکم) و رسول اکرم ع انجام آنرا به والدین تأکید می‌کند.

دانشمندان جهان امروز در کتابهای تربیتی خود برای تربیت کودکان به این دو امر که همان احترام به کودک و پرهیز از توهین و تحقیر به آنهاست توجه کامل دارند.

والدین باید در اعماق وجود فرزند نفوذ کرده و او را کاملاً منطقی بار آورده بگونه‌ای که او هم مسائل را همانگونه که بزرگترها می‌بینند، ببینند.

گاهی کودک می‌شنود که اطرافیان در مورد او سخن می‌گویند، از عیب‌هایش بدگویی می‌کنند و سادگی او را وسیله‌ای برای تفریح و خنده قرار می‌دهند کودکان می‌فهمند که بزرگترها آنها را مسخره می‌کنند و بدون آنکه به روحیات کودکان‌شان پی ببرند آنها را مورد سرزنش قرار می‌دهند در حالیکه این کودک معصوم نمی‌داند که چرا باید مورد سرزنش قرار گیرند بدین ترتیب دنیای آنها از دنیای بزرگترها جدا می‌شود و کودکان به این نتیجه می‌رسند که والدین موجوداتی غیر از آنها هستند و باید به مقابله در برابر آنها برخیزند.

والدین باید مراقب باشند در گفتگو با فرزندانشان صدایشان بالا نرود و زمانیکه باید به کودک تذکر داد آن تذکرات را با خوشرویی و ملایمت بیان کرد. که باعث ایجاد سدی میان والدین و کودکان و یا ایجاد رنجش‌خاطر در آنها نگردد. زمانیکه با کودک به صورت صحیح برخورد شود کودک نیز با شخصیت و با اعتماد نسبت به خود بزرگ می‌گردد و دیگر در خود

<sup>۱</sup>. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی از نظر وراثت و تربیت، بخش دوم، چاپ ۱۸، بی‌جا، نشر معارف اسلامی، ۱۳۶۲.

احساس حقارت و جدا بودن از اعضای خانواده را نخواهند داشت. باید به کودکان بفهمانیم که آنها هم اعضاء فعال این خانواده هستند و بایست در این خانواده مسئولیتی برعهده بگیرند و آنرا به نحو احسن انجام دهند.

از ابتدای ایام شیرخوارگی احساسات روانی کودک شکل می‌گیرد. زمانی که هنور کودک قدرت حرکت کردن و سخن گفتن را ندارد می‌تواند خشونت و تندی، مهر و محبت را احساس کند و نتایج اعمال خشن یا پر از محبت دیگران در او اثر بگذارد. والدین می‌بایست از همان اوان کودکی به امر تربیت کودک خود توجه کرده برای حفظ روان و شخصیت کودک کوشش کنند.

## استحباب بازی با کودک

بازی کردن با کودک از مستحبات دینی است و پیغمبر گرامی نیز به این اصل توجه کامل داشته و در مورد آن به پیروان خود تأکید فروان داشته‌اند. در وسائل جلد ۵ صفحه ۱۲۶ آمده است: قال النبی (صلی الله علیه و اله وسلم): «مَنْ كَانَ عِنْدَ صَبِيٍّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ».

رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) فرمودند: آن کس که نزد او کودکی است باید در پرورش او کودکانه رفتار نماید. همانطور که کودک با لباس و کفش نو شادمان می‌گردد، بازی پدر و مادر هم با همان اندازه باعث شادی طفل می‌گردد. باید تمام تلاش پدر و مادر در شاد کردن کودکشان باشد چون از نظر اسلام شاد کردن کودک از عبادات محسوب می‌شود. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و اله وسلم): «مَنْ فَرَّحَ ابْنَتَهُ فَكَانَ مِثْلَ مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَ مَنْ أَفْرَّ عَيْنَ ابْنٍ فَكَانَ مِثْلَ مَنْ خَشِيَ اللَّهَ». کسی که دختر بچه خود را شادمان کند مانند کسی است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل ذبیح را آزاد کرده باشد و آن کس که پسر بچه خود را مسرور و دیده او را روشن کند مانند کسی است که دیده‌اش از خوف خداوند گریسته باشد. کارهای کودک در هنگام بازی و سخنانی که می‌گوید نشان‌دهنده روحیه و درجه شخصیت روانی اوست زمانیکه بزرگترها با کودکان به بازی مشغول می‌شوند می‌توانند به درجه هوش آنها پی ببرند گاهی ممکن است پدر و فرزند باهم روی یک بازی قرار بگذارند مثلاً سوار شدن بر دوش همدیگر در اینجا پدر بر دوش کودک سوار نمی‌شود تنها مقصود سرگرم کردن کودک است در همین مورد ماجرای از زبان ابورافع یکی از اصحاب پیامبر به همراه امام حسن (علیه السلام) است که بیان می‌داریم. ابورافع با امام حسن (علیه السلام) که کودک خردسالی بود روی چنین بازی قرار گذاشتند وقتی نوبت به سوار شدن ابورافع بر دوش امام حسن (علیه السلام) رسید، امام حسن (علیه السلام) گفت: از تو تعجب می‌کنم می‌خواهی بر دوش کسی سوار شوی که پیغمبر (علیه السلام) او را بر دوش خود سوار می‌کند. وقتی نوبت سواری حسن (علیه السلام) رسید ابورافع گفت: همانطور که تو به من سواری ندادی من هم تو را بر دوش خود سوار نمی‌کنم، امام حسن (علیه السلام) گفت: آیا میل نداری کسی را که پیغمبر بر دوش خود نشاند بر دوش تو سوار کنی؟ ابورافع به ناچار کودک را بر دوش خود سوار کرد. عزت نفس و شخصیت روحی این کودک از خلال گفتار و

چگونگی استدلال او به خوبی مشخص است کودکی را که پیامبر ع در آغوش خود پرورش داده و شخصیت روانی او را احیاء کرده باید بزرگواری خود را باور داشته باشد و هرگز با ذلت و زبونی سخن نگوید.<sup>۱</sup>

## فصل دوم: دوره تربیتی کودک

### دوره های تربیتی

#### قبل از تولد

روان شناسان، تفاوت های فردی اعم از جسمی و شخصیتی را تحت تأثیر دو عامل می دانند؛ یکی وراثت و دیگری محیط وراثت تأثیر بیشتری بر روند رشد در دوران جنینی می گذارد. توارث از طریق متابولیسم اثر مهمی در تکوین شخصیت انسان می گذارد، اما این شخصیت متابولیسمی تحت تأثیر عوامل محیطی پرورش می یابد. از این رو، در دین اسلام نسبت به تأثیر ویژگی های شخصیت والدین بر فرزندان توجه بسیاری شده است و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد انتخاب همسر و ازدواج به مسلمانان، توصیه های خاصی کرده اند.<sup>۲</sup>

ازدواج در تشکیل خانواده و تعیین ویژگی های شخصیت افراد بسیار دخیل است، چراکه حالات مزاجی، عقلی و جسمی پدر و مادر در فرزندانشان مؤثر می باشد. بنابراین باید از ازدواج های بی تأمل و شتاب زده برحذر بود و پیش از ازدواج، درباره همسر آینده به درستی تحقیق و کندوکاو کرد. اسلام همچنین برای پاکی روحی، عقلی و جسمی پدر و مادر در موقع انعقاد نطفه، دستورها و هنجارهایی دارد که رعایت آنها سلامت فرزند را تأمین می کند. بر اساس تأکیداتی که دین اسلام در مورد انتخاب همسر و هنجارهای مربوط به تولد نسل دارد، می توان به اهمیت دوره قبل از تولد در شکل گیری هویت فرزندان و کودکان پی برد.<sup>۳</sup>

#### بعد از تولد

از دیدگاه اسلام، رشد انسان پس از تولد در چند مرحله متوالی صورت می گیرد. از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است: «فرزند تو هفت سال آقا، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است. اگر تا سن ۲۱ سالگی، خوی و خصلت هایش را پسندیدی که خوب و گرنه او را به حال خویش رها کن زیرا تو در پیشگاه خداوند معذوری<sup>۴</sup>».

به این ترتیب، تربیت پذیری کودک به سه دوره تقسیم می شود:

– کودکی اول یا دوران سیادت و نونهالی (۷-۰)؛

<sup>۱</sup> . فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی از نظر وراثت و تربیت، بخش دوم، چاپ ۱۸، بی جا، نشر معارف اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۲ تا ۱۳۰.

<sup>۲</sup> . فرحناز، شهری، آموزه های تربیتی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، کیهان فرهنگی، شماره ۲۴۵، ص ۶۰.

<sup>۳</sup> . مدرن، یوسف، ترجمه و تلخیص بهروز رفیعی، مجله تربیت اسلامی، ویژه تربیت جنسی، شماره ۸، ص ۲۰۴.

<sup>۴</sup> . شهری، ص ۶۱.

– کودکی دوم یا دوران اطاعت و نوباوگی ( ۱۴-۷ )؛

– کودکی سوم یا دوران وزارت و نوجوانی ( ۲۱-۱۴ ).

در هر یک از این مراحل، با توجه به شرایط سنی کودک و نوجوان باید تعالیم خاصی را به وی آموخت و انتظارات مشخصی از او داشت.

## کودکی اول یا دوران سیادت و نونهالی ( ۷-۰ )

روان شناسان این دوره ( هفت سال اول زندگی) را که مراحل نوزادی، طفولیت و خردسالی را دربرمی گیرد، دوره «نونهالی» می نامند. بر اساس تجربیات و مشاهدات روان شناختی، نیاز به محبت در سراسر زندگی فرد به خصوص در سال های اولیه زندگی نقش اساسی در موفقیت و شکل گیری شخصیت انسان دارد. رشد و سلامت شخصیت کودک به همان اندازه که به نیازهای جسمی وابسته است، به محبت نیز بستگی دارد. فقدان محبت، به ویژه محبت مادری، تأثیرات عمیقی بر کودکان می گذارد.<sup>۱</sup> شیوه های تربیتی کودک در این دوره را می توان این گونه ذکر کرد:

۱- **تنبيه کودک:** تنبيه کودک در دوره سيادت ممنوع است، پيامبر (صلی الله عليه و آله و سلم) والدين را به مدارا با کودکان دعوت می کند. خانم طباطبایی- همسر سیداحمد خمینی- در مورد امام خمینی (رحمه الله) چنین نقل کرده اند که: «در مورد بچه ها تا موقعی که کوچک بودند، هیچ گونه فشاری را نمی پسندیدند و می گفتند: بچه ها باید آزاد گذاشته شوند و خطرها را باید از اطراف آنها دور کرد»<sup>۲</sup>.

۲- **تشویق و تحسین کودک:** باید توجه داشت که تشویق و تحسین های بی جای والدين نیز مشکل آفرين است. کودکی که بیش از حد مورد تشویق پدر و مادر قرار گرفته، چنین تصور می کند که همه باید با او چنین رفتاری داشته باشند. لذا زمانی که به مدرسه می رود و متوجه می شود که هیچ کس چنین روشی نسبت به او ندارد، ناراحت شده و در زنگ تفریح بدون اینکه با کسی صحبت یا بازی کند، به تنهایی پناه می برد.<sup>۳</sup>

۳- **بازی:** هفت سال آغازین زندگی کودک، دوره ای است که کودک بیش از هر زمان دیگری به بازی و نشاط نیاز دارد. از دیدگاه روان شناسی، فلسفه بازی کودکان، آماده سازی آنان برای مواجهه با مشکلات است. از طریق بازی، کودکان به رشد اجتماعی، عاطفی و جسمی متعادلی دست می یابند. والدين از طریق شرکت در بازی کودکان می توانند به تربیت آنان همت گماشته، بسیاری از قوانین، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی را به کودکان آموزش دهند.

<sup>۱</sup> . شهروزی، همان، ص ۶۲

<sup>۲</sup> . کاظم، اکرمی، تعلیم و تربیت اسلامی از منظر امام خمینی (رحمه الله)، شماره ۵۰، ص ۲۱.

<sup>۳</sup> . رضا، شاپوریان، نقش پدر و مادر در سازندگی کودک، مجله پیوند، شماره ۳، ص ۳۲.

## کودکی دوم یا دوران اطاعت و نوباوگی ( ۷-۱۴ )

روان شناسان این دوره را دوره « نوباوگی » می نامند و بر این باورند که در این سنین ( ۷-۱۴ ) کودک از رشد ذهنی و عقلی سریعی برخوردار است و از طریق اندیشیدن، آزمایش و خطا می تواند مشکلاتش را حل کند. بنابراین لازم است در این هفت سال مقدمات آموزش و یادگیری کودکان فراهم شود و قوانین، مقررات و مهارت ها به او آموزش داده شود. علمای تعلیم و تربیت این دوره را بهترین زمان برای آغاز آموزش کودک می دانند. در این دوره، رفتار والدین و مربیان با کودک باید به گونه ای باشد که او را وادار نماید به تدریج مسیر اطاعت را پیشه کند.

نهادهای تربیتی در این دوره عبارتند از: خانواده، مدرسه و نهادهای مذهبی. در این دوره کودک نباید به حال خود رها شود، بلکه باید با نظارت بر رفتار وی مسئولیت ها و نقش های مختلف را به او آموخته شود و با تربیت صحیح کودک، او را برای مرحله نوجوانی آماده کرد. این مرحله پیش درآمد بلوغ است و کودک می رود تا برای پذیرش تکالیف و هنجارهای شرعی دوران بلوغ آمادگی پیدا کند. در اسلام بر اهمیت تربیتی این دوره تأکید بسیار شده است، زیرا این دوره، آینده اخلاقی کودک را پی ریزی می کند و اساس شکل گیری زیرساخت های شخصیتی کودک را تشکیل می دهد. دلایل اهمیت این دوره از این قرار است:

الف) کودک به رشد عقلی می رسد.

ب) جنبه های بدنی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و دینی وی رشد می کند و کودک را برای پذیرش آموزش های شرعی آماده می سازد.

ج) این مرحله مناسب ترین مرحله برای آموزش جنسی است. در این دوره باید پرسش های جنسی کودک را پاسخ درست و منطقی داد و از کنایه و مجاز در پاسخ کمک گرفت. برای واداشتن کودک به آموزش و پذیرش آداب و اخلاق اسلامی، بیشتر باید از تقویت و پاداش استفاده کرد.

## کودکی سوم یا دوران وزارت و نوجوانی ( ۱۴-۲۱ )

از دیدگاه روان شناسان، دوره نوجوانی با بحران هویت همراه است و فرایند بلوغ که یکی از بحرانی ترین دوره های زندگی هر فرد است، در این سن بروز می کند. اهمیت این دوره به حدی است که روان شناسان از این دوره به عنوان جنون جوانی یاد کرده و معتقدند: نوجوانی دوره بحران هویت، سرکشی، عصیان و مخالفت است. در این دوره، نوجوان تمایل بسیار به آزادی، استقلال، انتخاب شغل، قبول مسئولیت، تشکیل خانواده، پی بردن به ارزش های اخلاقی و معنوی دارد و به اندیشه های سیاسی، اعتقادات دینی، اخلاقی و مذهبی گرایش نشان می دهد. اندیشه نوجوان در این دوره بیشتر بر محور ایدئولوژی دور می زند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. شهروزی همان، ص ۶۳

در این دوره نوجوان احساس می کند بزرگ شده و خودش را محتاج استقلال می بیند و از هر چیزی که قدرت او را در قید و بند آورد متنفر است. نوجوان بیشتر اوقات خود را با خیال بافی و رسیدن به آمال و آرزوهای طلایی سرگرم می سازد و کمتر به تحقق بخشیدن به نیازهای واقعی زندگی توجه و علاقه نشان می دهد. او در جهان خیال غوطه ور می شود تا تمایلات خود را از این راه ارضا کند و لذا نمی تواند خود را با واقعیات زندگی مواجه سازد و لذا مشکلات روانی نوجوان در اساس زاییده عدم توانایی وی بر هماهنگ ساختن خویشتن با محیطی است که در آن زیست می کند.

## نقش پدر در تربیت

نظریه پردازان و پژوهشگران به نقش پدران در اجتماعی کردن کودکان، اهمیت بسیاری می دهند. پدران به شیوه ای با کودکان خود ارتباط برقرار می کنند که با شیوه های ارتباطی مادران متفاوت است. علاقه پدر به نظم توأم با رفتار متین و محبت آمیز در حکم عاملی است که در روش شکل گیری شخصیت کودک تأثیر می گذارد. پایه های صحیح علم و اطلاع را پدر در خانواده پی ریزی می کند و اوست که فرزندان را در جهت توسعه اطلاعات، رشد مهارت ها و معلومات، پرورش ذوق و سلیقه و جهت دادن آنها یاری می کند.<sup>۱</sup>

پدر نقش بسیار مهمی در نحوه تحصیل هویت جنسی کودک و همچنین تشخیص مفهوم خوب از بد ایفا می کند. تحقیقات نشان داده اند، پسر بچه هایی که پدرانشان در خدمت سربازی یا به هر علتی دور از خانواده بوده اند، به هنگام حضور در گروه، بیشتر تمایل به جنس مؤنث از خود نشان می داده اند تا پسرانی که در خانه با پدر خود زندگی می کرده اند. این تمایل به جنس مؤنث حتی پس از بازگشت پدر به آغوش خانواده نیز همچنان در رفتار این کودکان قابل مشاهده بوده است. به علاوه، پسرانی که در سال اول زندگی از همنشینی با پدر محروم بوده اند، دارای مشکلات رفتاری زیاده تری بوده اند. این افراد نه تنها از لحاظ برقراری ارتباط با افراد بزرگسال دارای ناراحتی هایی بوده اند، بلکه روابط آنان با سایر کودکان نیز دستخوش اختلال بوده است. همچنین آنچه که دختر به استناد رفتار پدرش درباره مردان می آموزد، به او کمک می کند که هویت خود را به عنوان یک زن بهتر به دست آورد؛ به خصوص اگر درباره رفتار پدر و مادرش با یکدیگر هم تجارب کافی اندوخته باشد.<sup>۲</sup>

در خانواده هایی که پدر در مواظبت از کودکان نقش مؤثری دارد، پسر بچه به هنگام نیاز از روی میل و اشتیاق حاضر به یاری سایر کودکان خانواده خواهند شد. کودک به خوبی ناظر طرز رفتار پدرش با خودش می باشد و با توجه به این ارتباط، نحوه پدر بودن و رفتار با کودکان آینده خود را فرا می گیرد.

## نقش مادر در تربیت

مادر و نوزاد با یکدیگر یک واحد عملکردی را تشکیل می دهند که هر یک از آنان به دیگری وابسته است. در جهانی که کودک تجربه می کند، مادر را همچون جزیی از خود می بیند. مادر به دلیل صرف وقت بیشتر و ماهیت رابطه عاطفی و

<sup>۱</sup>. شاپوریان، ص ۲۲.

<sup>۲</sup>. شاپوریان همان، ص ۴۷.

مربی گری خود و ابراز محبت آشکارش به کودک تأثیری بیش از پدر بر کودک بر جای می گذارد. امام خمینی (رحمه الله) در این خصوص می فرماید: «در دامن مادر، بچه ها بهتر تربیت می شوند تا در پیش استادان. علاقه ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد و آن چیزی که در بچگی از مادر می شنود، در قلبش نقش می بندد و تا آخر همراهش است». همچنین در خصوص اهمیت حضور مادر در کنار فرزند می فرماید: «بچه ای که از مادر جدا شد، پیش هر که باشد عقده پیدا می کند». امام خمینی (رحمه الله) خانه را مرکز تربیت علمی، تربیت دینی، تربیت اخلاقی و تهذیب نفس، تربیت حافظان انبیاء و مجاهدان، تربیت سیاسی و پرورش رجال ملی می داند و در این امر، مادران و زنان را دارای نقش و اثر مهم تری در مقایسه با پدران تلقی می کند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. اکرمی، صص ۳۳-۳۵.



## فصل سوم: اهمیت تربیت

### آغاز تربیت

نکته بسیار مهمی که گاهی پدر و مادر به آن توجه نمی‌کنند این است که تربیت کودک و نقش‌پذیری او از روزهای نخستین زندگی‌اش آغاز می‌شود و او از همان لحظات آغازین تولد آماده پذیرش درسها و نقشههایی است که اطرافیان برای او قرار می‌دهند.

یکی از آموزشهایی که در روزهای آغازین تولد است لالائی است. لالائی که همراه با درآغوش کشیدن کودک است که بهترین داروی آرامش‌بخش برای روح لطیف کودک است.

پرارامش‌ترین لحظات کودک زمانی است که در آغوش مادر و با آهنگ قلب مادر آرام‌آرام به خواب می‌رود. اگر در این دقایق و لحظات به کودک درس ایمان و معرفت، جهاد، مبارزه و انسانیت داده شود بدون شک این امور در ضمیر ناخودآگاه کودک حک شده و سرلوحه زندگی او قرار می‌گیرند.

حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) به هنگام حرکت دادن کودکش می‌گفت حسن جان چون پدرت علی باش، خدایی را که بخشنده نعمتهاست بندگی کن و با خطاکاران دوستی منما!

این بود تربیتی که حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) از همان روزهای نخستین تولد کودکانش به آنها آموخت. و راز همان کودکی آنها را چون بزرگمردانی تربیت نمود که جامعه دنیا برای همیشه درس ایمان و شجاعت را از آنها آموخت.<sup>۱</sup>

### تربیت خوب

تربیت اساسی‌ترین و ضروری‌ترین و ابتدایی‌ترین نیاز بشر است در تمام جوامع و ملل بر این مسأله تکیه زیادی است و تمام تلاش افراد بر این است که فرزندان‌شان براساس فرهنگ و سنت ملت و میهن خود پرورش یابند و سنتهای گذشته خود را به آنها انتقال دهند.<sup>۲</sup>

در آغاز هر فردی تلاشش بر این است که خودش به خوبی تربیت شود منتها هرکس روشی را برای تربیت کودک انتخاب می‌کند. (پیامبر اکرم ع می‌فرمایند: کسیکه دو یا سه دختر یا خواهر خود را نگهداری کند و آنها را خوب تربیت کند و سپس آنها را شوهر دهد بهشت برای او نوشته می‌شود).<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> برداشت از پیک‌زائر، ماهانه بین المللی فرهنگی اعتقادی، شماره اول، همان، ص ۱.

<sup>۲</sup> مجتبی، موسوی زنجارودی، برداشت تربیت مذهبی کودک، انتشارات میثم تمار، ص ۳۹-۴۷.

<sup>۳</sup> جمیلی، طاها برداشت از سفارشات پیامبر اکرم به دختران و زنان، مترجم سیدمهدی شمس‌الدین، ص ۱۰۰.

کودک دارای روحیه حساس و شریفی است و در اطراف او انسانهای مختلف و با اخلاقیهای مختلفند و او امکان دریافت همه رفتارها و کردارها را دارد.

مربیان بزرگ و صاحب نظران امور تربیتی همیشه بر این اصل که از چه طریقی فرزند خود را تربیت کنند تا راه و رسم صحیح انسانیت را دنبال کند توجه داشته‌اند.

اسلام چهارده قرن است که با فرهنگ آسمانی خود، فرزندان را در حصار و حفاظ استوار و محکم حفظ کرده است به دلیل ارائه راهکارهای صحیح اسلام پیروانش دارای خلق و خوی پسندیده و نمونه در جهان می‌باشند و اگر از این قوم گروهی به بیراهه کشیده شده‌اند بخاطر بی‌توجهی خانواده‌های آنها به تربیتشان و دور بودن آنها از آیین اسلام می‌باشد.

اگر پیروان اسلام به آداب و سنن اسلامی به خوبی توجه کنند از تمام انسانهای جهان برتر و والاترند درست است که مسأله تربیت یک مسأله مشکل و نیازمند به فعالیت زیاد است اما اگر از همان آغاز رشد کودک که او قابلیت و ظرفیت پذیرش خوب و بد را دارد او را با اسلام و دستوراتش هم مسیر کنیم مانعی در راه تربیتش وجود نخواهد داشت.

تربیت کودک در دوران طفولیت چراغ راه آینده اوست چون در حقیقت این کودک جوان فرداست و جوان فردا بزرگسال سالیان بعد است پس اگر در تربیت او از دوران طفولیت تلاش کنیم در سالهای آینده نسلی درست و جامعه‌ای بی‌عیب خواهیم داشت.

هدف اسلام از تربیت فرزند، تربیت خوب و نیک او است. منظور از خوبی‌ها و نیکی‌هایی که مدنظر اسلام است اموری است که در راستای مذهب و تعالی روحی و معنوی و دینی باشد. فلسفه وجودی اسلام نیز بر همین امر می‌باشد. همانطور که پیامبر اکرم<sup>ع</sup> در بیانات خود آورده‌اند:

من برای تکامل بخشیدن به اخلاق و خوبی خوب بشریت مبعوث گشتم<sup>۱</sup>.

کودک دائما از مهر و محبت والدین و اطرافیان بهره‌مند است و همه‌گونه وسائل و امکانات راحتی برایش فراهم است و تمام خواسته‌هایش بدون وقفه مهیاست. او جز خوشی، شادی و لذت چیزی نمی‌فهمد و همچون گل شادابی است که با اندک تابش خورشید پژمرده شده و با وزش بادی پرپر می‌شود. او قدرت تحمل و ایستادگی ندارد و با کوچکترین حادثه‌ای از پای درخواهد آمد پس هرگز نبایست خواسته‌ها و نیازهای او را در این سنین نادیده گرفت و چون چتری بر سر او سایه افکنده و تا زمانیکه خود بتواند بر پای خود بایستد تکیه‌گاه او باشیم.

با پایان یافتن دوران شیرخوارگی، نقش مادر در بعد وراثت تمام شده و دوران جدیدی از مسئولیت برای او آغاز می‌شود. کودک در این دوران هنوز نمی‌تواند نیازهای خود را برآورده کند و برای رفع نیازهای خود به وجود پدر و مادر احتیاج

---

<sup>۱</sup>. مجتبی موسوی زنجارودی، همان.

دارد. نیاز کودک در این دوران به مادر است و از نظر عاطفی وابستگی شدیدی به او دارد<sup>۱</sup>.

## تأثیر سن در تربیت

ارائه برنامه‌های آموزشی و به کارگیری روش‌های تربیتی در کودک بستگی به استعداد، نیازها و شرایط سنی او دارد. اسلام چهارده قرن پیش با توجه به خصوصیات روحی و نیازهای فطری کودک از پیروانش خواسته که برای یک دوره هفت ساله، کودک را آزاد بگذارند و از کودک، در این هفت سال به عنوان سید (آقا و فرمانروا) و ریحانه یاد کرده است.

در بعضی از روایات از زن و فرزند به ریحانه و گل خوشبو یاد شده چون آنها همچون گل می‌باشند و تاب و توان کارهای سنگین را ندارند و خیلی زود پژمرده می‌شوند و با کمترین رفتار خشن می‌شکنند.

امام صادق (ع) در ضمن این سخن می‌فرماید:

«أسهل صبیک حتی یأتی له ست سنین»

کودک خود را تا شش سالگی آزاد بگذار...

حضرت علی (ع) نیز در نهج‌البلاغه آورده‌اند:

«ولدک ریحاً ننگ سبعا»

فرزندت مدت هفت سال گل خوشبوی تو است (بر ساقه درخت وجودت)

پس می‌بایست این گل را همچون گل، مراقبت کرد و از هر کاری که به پژمرده شدن او می‌انجامد دوری کرد حتی اگر این کار تعلیم و تربیت او باشد.

در حقیقت کودک دارای جسمی ناتوان و روحی لطیف و حساس است و تحمل کردن مسائل سنگین برایش دشوار است، اما اگر با او رفتاری مناسب و شایسته روحیه‌اش داشتیم زمینه یادگیری در او فراهم شده و طولی نمی‌کشد که با نشاط کامل از هرگونه برنامه آموزشی و تربیتی استقبال خواهد کرد.

روان پاک کودک به سمت خداوند گرایش دارد و برای پذیرش خالق جهان آماده است و همچنین حس کنجکاوی و جستجوگر کودک بسیار زودتر از سن شش یا هفت‌سالگی به دنبال خداوند می‌گردد.

استفاده کردن از این استعداد فطری برای قرار دادن بذر ایمان در نهاد او کاری شایسته و متناسب با نیازهای طبیعی اوست.

<sup>۱</sup>. عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ تربیت، همان، ص ۲۹۴-۲۹۱.

تلقین کردن کلمه طیبه (لا اله الا الله) و اقرار به رسالت پیامبر اکرم<sup>ع</sup> که بین سنین سه و چهار سالگی است و معرفی قبله و واداشتن به سجده و نماز که در سن پنج و شش سالگی است برپایه همین نیاز فطری است. پس زمینه انجام این امور در وجود کودک فطرتاً نهفته است کار پدر و مادر تنها آشکار کردن آنهاست و هدایت این نیاز به سمت و سوی صحیح آن است.<sup>۱</sup>

## تربیت با عمل

بسیاری از پدران و مادران تربیت را به پند و اندرز می‌دانند و گمان می‌کنند که فقط هنگامی که با بچه‌ها مشغول صحبت و امر و نهی هستند در حال تربیت فرزندان هستند و زمانی که کودک سخن نمی‌گوید و سخنان والدین را نمی‌فهمد قابل تربیت نیست بر همین اساس کودک خردسال را قابل تربیت نمی‌دانند و می‌گویند هنوز بچه است و چیزی نمی‌فهمد و تربیت کودک را زمانی آغاز می‌کنند که بچه به سن رشد و تغییر رسیده باشد و خوب و بد را از هم تشخیص دهد در حالیکه این عقیده در کل اشتباه است.

کودک از همان آغاز ولادت مشغول شکل گرفتن و تربیت شدن است او در تمام لحظات زندگی تدریجاً بزرگ می‌شود و شکل می‌گیرد و اعصاب و مغز حساس و ظریف کودک از همان آغاز مانند یک دستگاه فیلمبرداری از تمام حوادث فیلمبرداری می‌کند و بدین گونه پرورش می‌یابد.

یک بعد از معاشرت خوب با فرزند، به اعمال و رفتار خاص والدین و برخورد متقابل با آنها بستگی دارد. نیروی تقلید کودک بسیار بالاست و هرآنچه را که در اطرافش اتفاق می‌افتد دریافت می‌کند و گاهی ممکن است بعضی از آن اعمال و رفتارها را به میدان عمل بیاورد. پس والدین باید به این امر مهم توجه کرده و با بی‌اعتنایی از کنار آن نگذرند و نگویند که بچه چه می‌فهمد و او هنوز آنقدر رشد نکرده که بد و خوب را از هم تشخیص دهد. این سخنان از سادگی و عدم درایت والدین گرفته می‌شود و آنها نمی‌دانند که این بی‌اعتنایی به کودک در آینده چه انعکاس بدی خواهد داشت و چه تأثیری در بافت و ساختار فرهنگی و اخلاقی او بوجود می‌آورد.

هدف اصلی اسلام سالم نگاه داشتن نسل می‌باشد بنابراین برنامه‌های لطیف و دقیقی برای پاک نگاه داشتن خانواده‌ها بیان داشته است و حتی گاهی نکته‌ای که از نظر ما مهم نبوده از نظر اسلام قابل توجه و مهم بوده است، پس باید این برنامه‌ها دقیق را در طول زندگی همانگونه که اسلام بیان کرده به کار برد تا صاحب نسلی پاک و منزّه گردیم. کودک یک مقلد کامل است به اعمال و رفتار و اخلاق پدر و مادر و سایرین نگاه می‌کند و از آنها تقلید می‌کند. او به پدر و مادر به دیده احترام نگاه می‌کند و اعمال و رفتار خود را مطابق آنها قرار داده و از آنها سرمشق می‌گیرد کودک وجود بی‌شکل خود را الگوی پدر و مادر تطبیق می‌کند و آنرا می‌سازد او تنها به کردار بزرگترها نگاه می‌کند و به گفتار و پند و اندرز توجهی نمی‌کند و اگر کردار با گفتار مطابق نبود کردار را ترجیح خواهد داد.

<sup>۱</sup>. عباس اسماعیلی یزدی، همان، ص ۲۹۵.

پس بر والدین لازم است که ابتدا به اصلاح خود بپردازند و اگر عیبی در رفتار و کردارشان است آنرا برطرف نمایند و خود را با صفات پسندیده بیارایند سپس به تولد کودک و تولید نسل اقدام کنند.<sup>۱</sup>

امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید:

اگر خواستی دیگران را اصلاح کنی ابتدا خودت را اصلاح کن، اینکه بخواهی دیگران را اصلاح کنی و خودت فاسد باشی بزرگترین عیب است.<sup>۲</sup>

## پرهیز از اختلافات خانوادگی

کانون خانواده آشیانه کودک است و کودک خود را وابسته به خانواده می‌داند و به آن دلگرم است اگر پدر و مادر با هم صمیمی باشند و در خانه محیطی گرم و باصفا ایجاد کنند کودک در آن خانه احساس آرامش کرده و استعدادهای درونی خود را شکوفا می‌کند.

نزاع و کشمکش پدر و مادر امنیت و آسایش را از کودکان می‌گیرد و آنها را پریشان و مضطرب می‌سازد. درست است که پدر و مادر عصبانی هستند اما باید بدانند که کودکانشان در این وضع در چه حالی به سر می‌برند. آنها از ترس و دلهره به گوشه‌ای می‌روند و یا از خانه فراری شده و به کوچه و خیابان پناه می‌برند.

یکی از تلخ‌ترین خاطرات کودکان تماشای صحنه‌های دعوای پدر و مادر است که تا آخر عمر آنرا فراموش نمی‌کنند و در روح حساسشان اثر بدی خواهد داشت و آنها غالباً پریشان، بدبین و مبتلا به دلهره و ضعف اعصاب خواهند بود.

آمار نشان می‌دهد بسیاری از کودکان بزهکار و معتاد در اثر اختلافات و کشمکش‌های دائمی پدر و مادر به این دامها گرفتار شده‌اند. اگر در خانواده‌ای توافق و وحدت بین پدر و مادر وجود نداشته باشد در آن خانه پرورش صحیح کودک امکان ندارد در چنین خانواده‌ای پدر و مادر سرگرم مجادله‌های خود هستند و از معاشرت با کودکان و تربیت آنها غافل می‌شوند. در چنین مواردی کودکان خوب درس نمی‌خوانند، عصبانی، تندخو، و گوشه‌گیر هستند.

پدران و مادران آگاه باید اختلافات خود را با تفاهم و منطق برطرف سازند و اگر گاهی بحثی دارند سعی کنند در حضور فرزندان نباشد و اگر فرزندان متوجه بحث آنها شدند به آنها تذکر دهند که نزاعی در کار نیست بلکه این بحث‌ها اختلاف سلیقه و مشکلات بین آنهاست و چندان اهمیتی ندارد.

<sup>۱</sup> مجتبی زنجارودی، همان، ص ۴۷.

<sup>۲</sup> ابراهیم امینی، آیین تربیت، همان، ص ۳۰.

## ناآگاهی خانواده از وظیفه فرزند پروری

فرزند یکی از امانت‌هایی است که خداوند به پدر و مادر عطا کرده است پدر و مادر در سرنوشت فرزند دخالت دارند، پس فرزند حق لازمی بر پدر و مادر دارد و اگر این حق را مراعات نکند در پیشگاه خدا مسئول خواهند بود زیرا شخصیت اصلی انسان در دوران کودکی شکل می‌گیرد.

حق فرزند این است که بدانی او از توست و در دنیا با نیک و بدش به تو نسبت داده می‌شود و در قیامت درباره تأدیب و راهنمایی‌اش به سوی خدا و یاری‌اش برای اطاعت خدا از تو سؤال خواهد شد پس با او مانند کسی رفتار کن که می‌دانی در مقابل نیکی به او پاداش می‌گیری و در مقابل بدی در حق او عقاب می‌شوی.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم<sup>ع</sup> نیز در رابطه با این موضوع فرمودند:

«بِدُعَائِهِمْ إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَتَعْلِيمِهِمُ الْفَرَائِضَ وَنَهْيِهِمْ عَنِ الْقَبَائِحِ وَحَثِّهِمْ عَلَى أَعْمَالٍ خَيْرٍ». بر سرپرست خانواده واجب است خانواده را به فرمانبرداری از دستورات خدا دعوت کند و واجبات را به آنها تعلیم دهد و نهی کند آنان را از کارهای زشت و گناه و آنان را به کارهای خیر تشویق کند.<sup>۲</sup>

تربیت کودک منحصر به خوراک و پوشاک و مسکن نیست والدین همانطور که در تربیت جسم کودک مسئولند در تربیت فکر او هم مسئولند.

اگر والدین مقید به واجبات و محرمات باشند ولی نسبت به فرزندان سهل‌انگاری کنند آنان زیانکار و ورشکسته هستند. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»<sup>۳</sup>.

زیانکاران آنانند که خود و اهل بیت خود را از (کفر و عصیان) در قیامت به خسران جاودان در افکنند این همان زیان است که بر همه آشکار است.

ورشکسته آشکار در روز قیامت کسی است که به خاطر اولادش به جهنم می‌رود و خود فرزندش را از آتش جهنم نجات نداده است.

در روایات آمده است:

وای بر آن پدر و مادر که به فکر دنیای فرزندان‌شان هستند اما به فکر آخرت آنها نیستند.

<sup>۱</sup> عبدالله شبر، اخلاق شبر، ص ۱۲۸.

<sup>۲</sup> حسین انصاریان، همان، ص ۳۰۹.

<sup>۳</sup> .سوره زمر، آیه ۱۵.

اگر پدر و مادر فرزند را متدین و با اخلاق تربیت نکنند و او نسبت به پدر و مادر بی‌ادبی و پرخاشگری کرد و مورد عاق والدین قرار گرفت این خود والدین هستند که مسئول می‌باشند زیرا کودک را خوب تربیت نکردند. و این عاق را خود پدر و مادر موجب شده‌اند.

در روایت آمده است که:

زمانیکه روز قیامت بر پا می‌گردد افرادی که خوب تربیت نشده‌اند و جهنمی شده‌اند به پدر و مادر خود نفرین می‌کنند و می‌گویند: «لا جزاک الله خیراً». خدا به تو خیر ندهد زیرا مرا خوب تربیت نکردید و باعث جهنمی شدن من شدید. پس فرزند بی‌نماز و روزه و بی‌حجاب با پدر و مادر نمازخوان و روزه‌گیر و با حجاب همگی به جهنم می‌روند.

اگر فرزند خوب تربیت شده باشد به پدر و مادر خود دعا می‌کند و می‌گوید: جزاک الله خیراً. خدا به تو جزای خیر بدهد. زیرا مرا خوب تربیت کردید و باعث بهشتی شدن من شدید و اولاد صالح به همراه والدینش به بهشت می‌روند.<sup>۱</sup>

با توجه به آیات رسیده نقش تربیتی خانواده از سالها قبل از تشکیل خانواده شروع می‌شود پس بر هر فردی لازم است قبل از تشکیل خانواده سطح آگاهی خود را در زمینه‌های مختلف بالا برد و قبل از شروع زندگی مشترک آگاهانه قدم بردارد.

پیامبر اکرم<sup>ع</sup> در این زمینه می‌فرمایند:

تربیت کودکان را قبل از ازدواج باید پیش‌بینی کرد تا فرزندی قابل تربیت به وجود آیند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> . حسین مظاهری، برداشت از همان، ص ۶ تا ۳.

<sup>۲</sup> . حسین انصاریان، همان، ص ۳۵۴.

## فصل چهارم: تفاوت تربیت دختران و پسران

### وظایف والدین در تربیت

وظایف والدین نسبت به فرزندان زیاد است که ما مختصراً به شرح آنها می‌پردازیم.

بسیاری از والدین به جنس کودک حساسیت نشان می‌دهند مثلاً دوست دارند که پسر داشته باشد و یا برخی به دختر علاقمندند. یکی از حقوق کودکان این است که بدون اینکه به جنس او توجه کنند مورد استقبال واقع شود. امام سجاده<sup>۱</sup> به هنگامی که فرزندی از او به دنیا می‌آمد پیش از آنکه از دیگر خصایص او سؤال کند می‌پرسید آیا کودک سالم است و آنگاه می‌فرمود: سپاس خداوندی را که از من نسل گرفتار و ناقص نیافرید.

بهتر است قبل از تولد برای کودک نام انتخاب کرد و دو نام برای او در نظر گرفته اگر دختر بود یکی از نامها و اگر پسر بود نام دیگر را بر او بگذارند.

انتخاب نام خوب برای کودک بسیار اهمیت دارد به خصوص اگر در آینده به مقام بالایی برسد نام او می‌تواند برای او ایجاد غرور و یا حقارت کند پس بهتر است برای او نامی انتخاب شود که او با آن نام احساس سرافرازی و وابستگی به پاکان و قدرتمندان کند و توصیه شده است نام کودک را از اسماء خاندان پیامبر<sup>ع</sup> انتخاب کنند.

بعد از به دنیا آمدن کودک می‌بایست در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه خواند، البته انجام این کار قبل از بریدن ناف کودک مستحب است. در روایات اسلامی انجام این کار را پناهی در برابر لغزشهای شیطانی ذکر کرده‌اند و باعث تقویت روح دینی در کودک می‌گردد.

از دیگر مسائل بعد از تولد کودک کام گرفتن با تربت امام حسین<sup>۱</sup> است و غسل مولودیه دادن کودک، ختنه کردن (اگر کودک پسر باشد)، عقیقه دادن و هم وزن موی سر کودک صدقه دادن از طلا و نقره است.

چون کودک هدیه‌ای از خداوند است پس به خدا وابسته است و صاحب کرامت است باید به گریه و فریادش توجه کرده و با او به احترام رفتار نمود، روزی که سخن می‌گوید به سخنش گوش فرا داد، در کارها و تنهایی‌اش نباید زیاد دخالت کرد، حکومت و تسلط او بر اسباب بازیهایش را نباید برهم زد و باید به گونه‌ای با او برخورد کرد که احساس کند، شخص بزرگی است و در نزد سایر مردم احترام دارد و دیگران او را می‌پذیرند.

یکی از نیروهای لازم برای ادامه حیات طفل محبت کردن به اوست و روح کودک توسط محبت به آرامش می‌رسد. کودکی که در طفولیت محبت ندیده است در بزرگی فردی عقده‌ای و خشن خواهد شد. البته نباید کودک را به خاطر موقعیت نسبی او مثلاً زیبایی کودک، رشد او، رنگ مو و چشم او دوست داشت. بلکه باید از آن جهت که وابسته به والدین است مورد محبت واقع شود البته نبایست فراموش کرد که این محبت به افراط نکشد چون زیاده‌روی در محبت سبب ایجاد نابسامانیهای دیگر خواهد شد.



هیچ غذایی برای کودک بهتر از شیر مادر برای او نیست. شیردادن مادر به کودک آنقدر پراهمیت است که گفته شده اگر مادر برای شیردادن کودک حق الزحمه می‌خواهد به او بپردازد.

کودک در هنگام خوردن شیرمادر تنها از سلولهای تن مادر تغذیه نمی‌کند بلکه بین او و مادر مهر و محبت رد و بدل می‌شود.

در صورتی که مادر نتواند این وظیفه را انجام دهد باید برای کودک دایه‌ای گرفت. در ضمن برای دایه هم خصوصياتی وارد شده از جمله اینکه دایه احمق نباشد، یهودی، نصرانی، مجوس، زنازاده و بداخلاق نباشد و بهتر است دایه‌ای باشد که ایمان به خدا و اسلام داشته باشد دارای چهره‌ای نیکو و رشدی مناسب باشد در صورتیکه شرایط برای گرفتن دایه نباشد استفاده از شیر حیوانات سفارش شده است.

وقتی کودک به یک سالگی رسید باید از غذایی که خود می‌خوریم به کودک بدهیم و در ۱۵ ماهگی در خوردن غذا او را آزاد بگذاریم تا خود غذا به دهانش بگذارد.

غذایی که به کودک می‌دهیم باید طاهر و پاک باشد چون غذای کودک با رفتار و عمل او رابطه مستقیم خواهد داشت و در صورتی که غذا ناپاک و حرام باشد در خلق و خوی کودک تأثیر سوئی خواهد گذاشت همانگونه که در قرآن آمده است:

«كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا».

از همان روزهای اول تولد باید در پرورش دینی کودک کوشید در کتب اسلامی برای هر سال و حتی برای هرچند ماهگی کودک برنامه‌ای تعیین شده است. مثلاً وارد شده که در ۳ سالگی نحوه سجده کردن را به کودک بیاموزید و در ۵ سالگی ادای شهادتین و در ۷ سالگی نماز را به او بیاموزید انجام این امور از راه عمل کردن والدین و شرکت دادن کودک در مجامع دینی امکانپذیر است.

زندگی همیشه خوردن غذای گرم و بستر نرم و راحت نیست. گاهی باید کودک را با سختی مانوس کرد و همیشه سعیمان بر این نباشد که کودک تمام نیازهایش برطرف گردند و اینکه همیشه زندگی‌اش با موفقیت باشد لازم است گاهی کودک طعم شکست را بچشد و مزه گرما، سرما، تشنگی گرسنگی را شخصا احساس کند و خود را برای زندگی آینده که پر از پیچ و خم و سختی هاست آماده کند از مسائل دیگر آموزش دنیای متفاوت زن و مرد به کودک است که آن از راه عمل و رفتار والدین، به دست می‌یابد.

باید بسیاری از مسائل ضروری برای زندگی کودک از واجبات و محرمات را متناسب با سنش به او آموخت این امر بایست آنقدر وسعت داشته باشد که بتوان مسائلی در حدود شئون زندگی خانوادگی و ازدواج را نیز مطرح کنند. بسیاری از والدین از جواب دادن به پرسشهای کودکان خودداری می‌کنند و براین عقیده‌اند که با پاسخ دادن به اینگونه سؤالات روی بچه‌ها باز می‌شود و یا زمینه را جوری فراهم می‌کنند که کودک جرأت مطرح کردن اینگونه سؤالات را نداشته باشد. این امر به زیان خانواده و کودک است چون کودک بالاخره برای سؤالات خود پاسخ می‌یابد و اگر پدر و مادر از جواب دادن طفره روند از

افراد دیگر خواهد پرسید و امکان دارد از افراد بی‌اطلاع و احياناً سودجو و مغرض پرسش کنند پس بهتر است خود والدین که از همه کس به او دلسوزتر و مهربان تر هستند پاسخ اینگونه سؤالاتش را بدهند تا سؤالاتش بی‌پاسخ نماند لازم است والدین برخی از امور را در منزل به فرزندانشان آموزش بدهند که ما در اینجا مختصراً به بعضی از آن امور می‌پردازیم.<sup>۱</sup>

آنچه که سایر انسانها را از هم جدا می‌کند تفاوت در خلق و خوی آنهاست. نیکی‌ها با زشتی‌ها سنجیده می‌شوند و میزان در شناخت آنها عقل و شرع است. در حقیقت انسان با عقل خوبی‌ها و بدی‌ها را تشخیص می‌دهد و یا آنکه شرع آنها را معرفی می‌کند.

حیاء و عفت از اموری هستند که هم عقل آنها را می‌ستاید و هم شرع به آنها اهمیت داده است حیاء در واقع همان شرم است که باعث می‌شود انسان از کاری که باعث ایجاد ملامت و سرزنش شود دوری کند و عفت هم به معنای پاکدامنی انسان است که باعث نزدیک شدن انسان به خدا و خدا به انسان می‌شود.

منشأ عفت کودک خوبی والدین است. اگر پدر و مادر حریم حیاء و عفت را نگه دارند این خود باعث می‌گردد کودک عملاً حیاء و عفت را درک کند. بر پدر و مادر لازم است مصادیق حیاء و عفت را به کودک بفهمانند که در چه مواردی حیاء داشته باشند و عفت را رعایت کنند و دامن خود را از آلوده شدن به محرمات و پلیدیها حفظ کنند.

آنچه ضمانت بقای نسل آینده و سالم ماندن جامعه را برعهده دارد توجه کردن به دستورات آسمانی است. انسانیت انسان با حیاء و عفت او تفسیر می‌شود پس انسانیت انسان بدون حیاء و عفت معنا ندارد و جامعه انسانی زمانی از جامعه حیوانی متمایز می‌شود که جامعه‌اش لباس حیاء و عفت برتن داشته باشد.<sup>۲</sup>

امروزه با پیشرفت کردن دنیا و به وجود آمدن تمدنهای جدید، جای هیچ شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که علم‌آموزی در این عصر از ضروریات است.

بهترین زمان فراگیری علم و دانش‌اندوزی از هفت سالگی کودک است که اسلام هم به سن ۷ سالگی اهمیت فراوانی داده است. والدین می‌بایست از این فرصتها استفاده کرده و آنها را به دانش‌اندوزی و کسب علم تشویق کنند تا آینده آنها به خاطر بی‌سوادی به مخاطره نیفتد.

امام علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه آورده است:

«مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ»<sup>۳</sup>.

کسی که در کودکی درس نخواند در بزرگی رهبر و پیشوای مردم نمی‌شود.

<sup>۱</sup> . علی قائمی، برداشت از پرورش مذهبی کودک، چاپ پنجم، نشر معارف اسلامی، ص ۷۹ تا ۷۳.

<sup>۲</sup> . همان، ص ۵۵ تا ۵۱.

<sup>۳</sup> . عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، سخنان امام علی علیه السلام، مولف، ص ۶۴۹.

بیشتر تأکید اسلام بر این است که انسانها به فراگیری علمی که باعث رستگاری آنها و سعادت دنیا و آخرتشان است بپردازند و از علمی که نفعی برای آنها ندارد بپرهیزند.

آیه‌ای در قرآن آمده است که می‌فرماید:

«فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى الطَّعَامِ». امام صادق (ع) در تفسیر این آیه آورده‌اند منظور از طعام همان علم است که بهترین غذای انسان است. پیشرفت علوم دنیوی امروزه این امکان را به انسان می‌دهد که در یادگیری سایر علوم جدید دنیا عقب نماند.

اگر اقدام به آموختن چند علم در کنار هم کردیم می‌بایست از علوم و معارف دینی کوتاهی نکنیم چون آموختن چند علم در کنار هم وقت زیادی را از انسان می‌گیرد پس بهتر است قبل از پرداختن به سایر علوم، به علوم دینی پرداخته و بعد معنویت خود را تقویت نماییم.

خداپرستی به معنای بنده خدا بودن و نفی هر خدایی غیر از معبود واحد است و اینکه هیچ موجودی را جذاب‌تر و با وفاتر از او ندانیم و تنها او را سزاوار پرستش بدانیم و تمام جهان و هستی را زاده او دانسته و وظیفه خود را شناخت او و تمام هستی بدانیم.

والدین باید بذر خداپرستی را در نهاد کودک بکارند. فطرت پاک کودک از درون خدا را فریاد می‌کند و از همان اوان کودکی شکوفا می‌شود پس باید عسل شیرین خداپرستی را در کام کودک ریخت. شناختن خدا و پرستش او دو مقوله‌ای هستند که از نظر دین اسلام مورد عنایت واقع شده‌اند.

انسانها می‌بایست به مقوله دوم که همان پرستش خداست بیشتر توجه کنند و باید کودکان را پیوسته در مسیر خداپرستی حفظ کنند و در این مسیر آنان را یاری کنند.

اسلام می‌خواهد که کودک از سن ۷ سالگی آهسته آهسته به سوی عبادت کردن کشانده شود یکی از اصحاب امام صادق (ع) می‌گوید: از حضرت پرسیدم که کودک از چه سنی شروع به خواندن نماز کند فرمودند از هفت سالگی.

مسلمانان باید بدانند که در این قسمت از دین نباید کوتاهی کنند و باید خود و فرزندانشان را با معارف بلند الهی و قرآنی آشنا سازند و از خواندن کتابهای مذهبی و رفتن به مجالس موعظه و محافل دینی دریغ نکنند و تمام تلاششان بر این باشد که محبت خداوند و اولیای او را در دوران کودکی در دل فرزندان قرار دهند که سعادت دنیا و آخرت آنها در این امر است.

در جوامع مختلف و در میان مسلمانان انسانها و بزرگانی بوده‌اند که از تجربه‌ها و اندوخته‌های علمی خود برای انسانها سخن گفته‌اند. استفاده و بهره‌برداری از آن سخنان و انتقال آنها به فرزندان در سالم نگاه داشتن و تربیت صحیح آنها مفید است.

در بحار الانوار آمده است:

امام علی(علیه السلام) در میان جمعی حضور داشتند حسین و حسین (علیه السلام) نیز در آن جمع بودند حضرت(علیه السلام) سؤالاتی از آن دو پرسید و با آنها بحث علمی می کرد و آنها با عبارتی کوتاه و جوابهای حکیمانه پاسخ حضرت را می دادند. در این هنگام حضرت متوجه یکی از اصحاب خود شد و به او فرمود: این سخنان حکیمانه را به فرزندان خود بیاموزید، زیرا موجب تقویت عقل آنها می گردد.<sup>۱</sup>

این از نیک اندیشی امام(علیه السلام) بود که علاوه بر اینکه فرزندان خود را به این روش تربیت کرده بود از اصحاب هم می خواست که کودکانشان را به همین روش تربیت کنند تا نور علم و دانش در وجودشان بتابد و این خود باعث تقویت عقل و اراده آنان گردد.<sup>۲</sup>

## نوع دختر و پسر

بین دختر و پسر از جهات گوناگون تفاوتهایی وجود دارد و این تفاوتها سبب ایجاد تفاوت در نظام تربیت آنها می شود.

برخی از مربیان و صاحب نظران در تربیت کودک بر این عقیده اند که دختر و پسر در جنبه های روانی و عاطفی و استعدادی با هم متفاوتند و دنیایی متفاوت از هم دارند ولی این امر سبب تفاوت در تربیت آنها نمی باشد. این افراد می گویند: زن و مرد در آینده باید دوش به دوش هم در اجتماع زندگی کنند و در کنار هم بتوانند مسئولیت زندگی را برعهده بگیرند پس باید از یک نوع تربیت برخوردار بوده و پرورش آنها یک جور باشد تا هدف مورد نظر تحقق یابد.

نظر اسلام در این زمینه این است که پسر و دختر هر دو انسانند و تربیت برای آنها مهم است و همچنین هر دو باید دوش به دوش هم به کار و تلاش مشغول شوند اما هر دو یک وظیفه و کار مشترک ندارند و به طور مشابه از انجام هرکاری بر نمی آیند.<sup>۳</sup>

دختران برای نگهداری کودک، باروری و بارداری و پرورش کودک آماده می شوند و پسران برای انجام وظایف سنگین اجتماعی آمادگی می یابند. عالی ترین سیستم تربیتی آن است که تفاوت های فردی را در نظر گرفته و با توجه به این تفاوتها برنامه تربیتی را تنظیم کنیم.<sup>۴</sup>

## علت تفاوت تربیت

از نظر اسلام تربیت باید به دو گونه اعمال شود یک نوع آن برای دختر و نوع دیگر برای پسر، گرچه در کلیات تربیت هر دو شریکند اما می بایست برخی از تفاوتها را که اساس زندگی آن دو است را از نظر پنهان نداشت. در اینجا به بیان برخی از این تفاوتها که باعث تفاوت در تربیت دختر و پسر است می پردازیم. اولین تفاوت آنها از نظر جسم آن دو است آنها از نظر ظاهر و آفرینش با هم متفاوتند این تفاوتها نشان دهنده نوع کار و وظیفه ای است که برای آن ساخته شده است.

<sup>۱</sup>. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۹۴.

<sup>۲</sup>. علی قائمی، برداشت از تربیت مذهبی کودک، ص ۶۷ تا ۶۵.

<sup>۳</sup>. همان، برداشت از اسلام و تربیت دختران، ص ۳۸.

<sup>۴</sup>. همان، ص ۵۷.

در تربیت آنجا که مربوط به دختر است باید جنبه زنانه قضیه و زمانیکه مربوط به پسر است باید جنبه مردانه آن رعایت شود. اگر کودک دختر باشد در آینده براساس ساختمان بدن به دنیایی از تفاوتها برخورد می‌کند که باید بتواند در برابر آن تفاوتها موضعی صحیح را انتخاب کنند.

دنیای بلوغ دختر و پسر باهم متفاوت است. مسئله رشد آنها در دوران بلوغ یکی از مهمترین مسائل است.

نیازها و خواسته‌های آنها با هم فرق دارد و تربیت می‌بایست این تفاوت درخواستها و نیازها را پاسخگو باشد و به هرکدام از آنها مسائل مربوط به خود را بیاموزد چه بسا مسائلی است که آگاهی از آنها برای یک دختر ضروری است در حالیکه این مسائل نه تنها برای پسر ضروری نیست بلکه گاهی ممکن است برای او قابل فهم هم نباشد.

دومین تفاوتی که بیت دختر و پسر است، تفاوت در روان آن دو است. در دنیای زن و مرد تفاوت‌های زیادی از نظر روانی به چشم می‌خورد بعضی از خصلتها در وجود زن است که در مرد نیست و یا گاهی این خصلت در مرد وجود دارد اما به شدتی در یک زن وجود است، نیست. نوع استعدادهایی که در یکی از آنهاست در دیگری با درجه‌ای از شدت و یا ضعف وجود دارد. در مرد یک حالت تجاوز و تعدی برای تملک وجود دارد اما زن خواهان تملیک نیست مرد درصدد آن است که کسی را بخواهد و زن در پی آن است که او را بخواهند. مرد می‌خواهد نفس پرخاشگر خود را آرام کند در حالیکه زن به آرام‌بخشی روح خود می‌پردازد هریک از این خواسته‌ها و تمایلات مفاسد و مصالحی را در بردارد. باید درباره هرکدام از این خواسته‌ها و تمایلات موضعی جداگانه در نظر گرفت باید برخی از این جنبه‌ها را پرورش داده و برخی دیگر را تعدیل کرد.

با بررسی کردن ابعاد روانی در زن و مرد می‌فهمیم که هرکدام از آنها در عین تام الخلقه بودن به تنهایی کامل نیستند و با قرار گرفتن در کنار هم و تشکیل خانواده جنبه‌های روانی آنها کامل می‌شود. سومین تفاوتی که در بین دختر و پسر است تفاوت در وظایف است.

در کشورهای غربی نهضت‌های آزادی طلبانه زنان سبب شد که وظایف زنان و مردان به صورت مشابه درآید و زنان عملاً کار مردان را انجام دهند و در کارخانه‌ها، صنایع سنگین، امور نظامی، سیاسی و حتی قضایی وارد شده و به کار مشغول شوند.

بررسی‌ها نشان داده که مخلوط شدن وظایف زن و مرد باعث ایجاد شکست و ناکامی برای هر دوی آنها شده است و همچنین کارهای سنگین و صدای خشونت بار اره کردن فلزات و اعمال خشونت نظامی با روحیه لطیف زن سازگار نبوده و باعث ضعف اعصاب و روان در زنان شده است زن می‌تواند برای چندین شب بر بالین کودک بیمارش بیدار بماند اما هرگز نمی‌تواند بیداری در سنگر جنگ و تنهایی با اسلحه را تحمل کند چون این گونه امور با روحیه لطیف او سازگار نیست و وظایف و کارهایش براساس طبیعت و فطرتش در نهادش قرار گرفته است.

با توجه به اموری که بیان شد درست است زن و مرد هر دو حقوق مساوی دارند اما نمی‌توان برای آنها تربیتی مشابه قرار دهیم. نوع وظایف و کارهایی که در آینده برعهده آنهاست بیان کننده نوع تربیت آنها است.<sup>۱</sup>

## بهترین نوع تربیت

از نظر اسلام بهترین نوع تربیت تربیتی است که متناسب با فطرت و طبیعت انسان باشد و به او چیزی را بدهد که مقتضای فطرت و خواسته‌های درونی او باشد و به آن نیاز طبیعی و غریزی داشته باشد به گونه‌ای باشد که بتوان از آن استفاده کرد و مصالح حیات فردی و اجتماعی انسان را در نظر گرفته و ارتباط گذشته، حال و آینده انسان در آن معین شده باشد.

و با توجه به اینکه تربیت دختر و پسر باید به دو صورت انجام گیرد نوع تعلیمات و اجرای برنامه‌های آنها متفاوت است.

## اسلام و تربیت

با بررسی منابع فقهی در می‌یابیم که اسلام هم این دوگونگی تربیت را به خوبی پذیرفته است و تربیتی که با طبیعت فطری و اجتماعی آنها معارض نباشد را برای آنها می‌پذیرد. در حقیقت نظام اسلامی، نظامی است که در آن مردان هزینه زندگی زنان را برعهده گرفته‌اند. زن اگرچه ثروتمند و مال‌دار باشد باز هم مرد هزینه‌های زندگی‌اش را برعهده می‌گیرد مگر اینکه خود زن بخواهد این هزینه‌ها را برعهده گیرد. از نظر اسلام مرد عهده‌دار کلیه مسائل خانه و بخصوص مسائل خارجی خانه است و زن امور داخلی خانه را برعهده می‌گیرد. پس با توجه به این گفته یاد گرفتن راه کسب درآمد برای مردان واجب است و یادگرفتن آن برای زن مستحب است. مرد باید جهت تحصیل معاش در خارج از خانه و زن در گرداندن امور درون خانه تلاش کند پس با توجه به وظایفی که برای آن دو بیان کردیم نمی‌توان برای هر دو یک تربیت همانند اعمال کنیم پس می‌بایست با توجه به وظایف آنها تربیتی جداگانه برای آنها به کار گرفت.<sup>۲</sup>

## زیان همانندی در تربیت

اینکه بگوییم زن و مرد در حقوق مشابهند و می‌بایست مانند هم تربیت شوند سخنی دور از اعتدال است از نظر اسلام کسانی که مسائل تساوی حقوق زن و مرد را با مسأله تشابه حقوق آنها مخلوط می‌کنند نه اینکه کمکی به آنها نکرده بلکه حقوق مرد را نادیده گرفته و به نابودی آنها اقدام کرده‌اند اگر به تفاوت‌های فطری و طبیعی زن و مرد و مصالح فرد و جامعه توجه نکرده و وظایف و مسئولیتهایی برخلاف فطرت برای آنها قرار دهیم آنها را زیر بار وظایف و مسئولیت های غلط خرد کرده‌ایم. اگر دختران را مانند پسران پرورش دهیم امری غیرممکن نیست ولی با این کار شخصیت او را حذف کرده‌ایم و با

<sup>۱</sup>. همان، ص ۴۶ تا ۳۹.

<sup>۲</sup>. همان، ص ۴۴ تا ۴۲.

فطرت او به مقابله پرداخته‌ایم و برعلیه خواسته‌ها و تمینات آنها اقدام کرده‌ایم. پس می‌بایست در مورد هرکدام از آنها تربیتی متناسب با فطرتشان خود اعمال کرد و در مورد هرکدام سنگ تمام بگذاریم و حد کمال رعایت شود.<sup>۱</sup>

## تربیت جنسی کودک

برای تربیت جنسی کودکان می‌بایست به فرزندان آموخت که سرزده وارد اتاق والدین نشوند و برای رفتن به آنجا اجازه بگیرند. خداوند در قرآن کریم آورده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ...»<sup>۲</sup>.

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی که از شما که به (سن) بلوغ نرسیده‌اند سه بار (در شبانه روز) از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید و پس از نماز شامگاهان، این سه هنگام برهنگی شماست نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این (سه هنگام) گرد یکدیگر بچرخید (و با هم معاشرت نمایید)...

پدر و مادر باید معاشرتهای خود را تحت کنترل قرار داده و هرگونه حرکتی که سبب بیدار شدن غرائز جنسی در کودک می‌گردد خودداری کنند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا يُجَامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَلَا جَارَتِيَه وَ فِي الْبَتِّ صَبِيٌّ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُوْرِثُ الزِّنَا»<sup>۳</sup>.

زن و شوهر در خانه‌ای که کودک صدای آنها را می‌شنود آمیزش نکنند برای آنکه موجب فسق می‌گردد. حس کنجکاوی کودک در سنین خردسالی فوق‌العاده زیاد است و همچنین دیدگان آنها در عکسبرداری بسیار حساس است و پیوسته علاقمندند که مشاهدات خود را به مرحله عمل درآورند و آنچه را که دیده‌اند خود تجربه کنند آنها در این مرحله هرگز به کرده‌ها و سرانجام کار خود فکر نمی‌کنند و تنها می‌خواهند آنچه را که دیده‌اند عملی نمایند. با توجه به این گفته‌ها والدین می‌بایست به چندین نکته توجه کنند. مادران بایست خوب مواظب باشند که: به هنگام نظافت کودک، کودکی دیگر به خصوص غیرهم جنس نظاره‌گر نباشد، کودک با اندام تناسلی، سینه‌ها و رانهای آنها بازی نکند، کودک را در محیط خلوت بصورت تنها و یا همراه دیگری آزاد نگذارند، هرگز دختر ۶ ساله را مرد نامحرم بر دامن خود ننشاند و نبوسد، اندام بچه رانها و سینه آنها خصوصا دختر بچه در برابر دیگران عریان نباشد و در کودکان عشق و علاقه به نماز را ایجاد نمایم چون نماز عاملی است که کودک را از هرگونه گناه دور می‌نماید چنانچه در قرآن آمده است. إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> همان، ص ۴۶ و ۴۵.

<sup>۲</sup> سوره نور، آیه ۵۸.

<sup>۳</sup> محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، ص ۱۰۶.

<sup>۴</sup> سیما میخبر و دیگران، برداشت از ریحانه بهشتی، انتشاران نورالزهره، ص ۲۲۶ تا ۲۲۴.

## فصل پنجم: آشنایی کودکان با اهل بیت علیهم السلام

### کودکان و سیره اهل بیت (علیهم السلام)

آشناسازی کودک با اهل بیت (علیهم السلام) از موضوعات مهم تعلیم و تربیت است پس باید راههای اجرای این یادگیری را به کودک آموخت.

تفاوت اساسی آشناسازی کودک با اهل بیت (علیهم السلام) و تعلیم و تربیت در این زمینه این است که آشناسازی با سیره اهل بیت (علیهم السلام) بصورت آموزش غیررسمی و بیشتر در محیط خانواده‌ها انجام می‌گیرد.

### آشنایی با القاب اهل بیت (علیهم السلام)

قبل از آشنایی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام) می‌بایست آنها را با نامها و القاب ائمه آشنا ساخت. ذکر نام و توصیف القاب ائمه معصومین (علیهم السلام) برای کودکان ضمن آشنا کردن کودکان با این نامها، کودک را با شخصیت آن معصوم (علیه السلام) نیز آشنا می‌کند. نام و لقب هریک از ائمه علت و فلسفه خاصی دارد که با شنیدن آن نام شخصیت وجودی آن معصوم (علیه السلام) در ذهن تداعی می‌شود.

در احادیث و سیره ائمه (علیهم السلام) به علل انتخاب نام و لقب معصومین (علیهم السلام) اشاره کرده است. مثلاً یکی از القاب امام علی (علیه السلام) ابوتراب است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این لقب را بر ایشان قرار داده است.

«لَإِنَّهُ صَاحِبُ الْأَرْضِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِهَا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ وَ بَقَاؤُهُا وَ إِلَيْهِ سُكُونُهَا».

بدرستی که بعد از رسول خدا، علی (علیه السلام) صاحب زمین و حجت خدا بر اهل آن است و بقاء نظام زمین به وسیله آن حضرت برقرار می‌شود.

برهمین اساس امام علی (علیه السلام) ابوتراب نام گرفت. همچنین در مورد نام‌گذاری فاطمه زهرا به فاطمه از رسول خدا نقل شده است:

«إِنَّمَا سَمَّيْتُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مِنْ أَحْبَبِهَا مِنَ النَّارِ».

همانا دخترم فاطمه نام‌گذاری شده به خاطر آنکه خداوند او و دوستانش را از آتش بریده است.

تمامی اسامی و القاب امامان معصوم نشان‌دهنده معنا و مفهوم ویژه‌ای است که در وجود آنها تجلی یافته است و بیانگر یکی از ویژگیهای شخصیتی آنهاست.



والدین و مربیان می‌بایست نام و القاب ائمه اطهار (علیهم السلام) را با بیان معنا و مفهوم آن به کودکان بیاموزند تا ضمن فراگیری اسامی اهل بیت (علیهم السلام) با شخصیت آنان هم آشنا شوند.

توصیف شخصیت اهل بیت (علیهم السلام) با ذکر اسامی و القاب آنها در سیره و گفتار رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فراوان به چشم می‌خورد و احادیث متعددی از آن حضرت رسیده که به نوعی اهل بیتش را معرفی می‌کند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گاهی همه ائمه اطهار را به ترتیب با نام و مشخصات معرفی می‌کنند و گاهی آنها را با و جملاتی مناسب با شأن آنها معرفی می‌کند. در جایی پیامبر ع آورده‌اند:

امامان بعد از من دوازده نفرند که اول ایشان علی بن ابیطالب و آخر آنها قائم می‌باشند، آنان جانشینان و اوصیا و اولیای من هستند و حجت‌های خدا بر امتند، که هرکس آنها را پذیرفت مؤمن و هر که انکار کرد کافر است.

روش آشناسازی با اهل بیت (علیهم السلام) به روش توصیف اسامی و القاب و تعلیم آنها مختص به سیره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست بلکه در سیره و کلام سایر معصومین نیز آمده است.

با بررسی زندگی اهل بیت به این نتیجه می‌رسیم که بطور کلی سیره امامان معصوم (علیهم السلام) اینگونه بوده که هر کدام در زمان حیات خود امام بعد از خود با تمام مشخصات به شیعیان معرفی می‌کرده و با اینکار زمینه اختلاف نسبت به امام بعدی را از بین می‌برد.<sup>۱</sup>

### آشنایی با ویژگیهای اهل بیت (علیهم السلام)

وقتی سخن از ویژگیهای اهل بیت (علیهم السلام) به میان می‌آید منظور خصوصیات خانوادگی، نژادی و محل زندگی آنها مدنظر است. توصیف ویژگیهای محیط و خانوادگی شخص در شناخت شخصیت او تأثیر زیادی دارد زیرا شخصیت یک فرد از عواملی چون وراثت و محیط تأثیرپذیر است. منظور از عوامل وراثت اموری است که فرد هنگام تولد از ناحیه والدین به همراه دارد و بیشتر جنبه ظاهری و جسمی است و به صورت طبیعی رشد می‌کند. اما آنچه فرد پس از تولد از محیط، خانواده، مربیان و جامعه دریافت می‌کند بخشی دیگر از شخصیت او را تشکیل داده و از آن به عوامل محیطی تعبیر می‌شود. هر کدام از این دو عامل در شکل‌گیری شخصیت و معرفی فرد به دیگران نقش اساسی دارد. وقتی به سیره و احادیث معصومان (علیهم السلام) مراجعه شود موارد متعددی وجود دارد که به معرفی اهل بیت (علیهم السلام) و ویژگیهای خانوادگی آنان اشاره می‌کند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: بعد از من دوازده خلیفه و امام هستند که همه ایشان از قریش می‌باشند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این حدیث بر دو نکته یکی قریشی بودن اهل بیت (علیهم السلام) و دیگری اینکه آنها از نژاد قریش و خاندان بنی‌هاشم هستند، اشاره کرده است. از این کلام می‌توان فهمید که انتساب اهل بی‌اهل (علیه السلام) به چهره‌های شاخصی چون قریش و هاشم که میان اعراب و مسلمانان صدر اسلام معروف بودند و همه آنها را می‌شناختند، می‌رسد. ائمه معصومین (علیهم السلام) برای معرفی خود از ویژگیهای شخصیتی و خانوادگی استفاده می‌کردند. چنانکه امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به همین روش خود را برای لشکر عمر سعد معرفی کرد و فرمودند: آیا من فرزند دختر پیغمبر شما و فرزند وصی پیامبر نیستم؟ آیا حمزه

<sup>۱</sup>. برداشت از پیک زائر، ماهنامه بین‌المللی فرهنگی اعتقادی، ص ۲-۳.

به خدا سوگند از مشرق تا مغرب غیر از من کسی فرزند دختر پیامبر اسلام نیست و تنها من فرزند دختر پیامبر شما هستم. پس برای آشنایی کودکان با اهل بیت (علیه السلام) بهتر است ویژگیهای فردی، خانوادگی و محیطی و گاه شرح کوتاهی از زندگی آنها به کودک ارائه گردد. مثلاً باید به کودکان فهماند که محل زندگی و وطن اصلی ائمه اطهار (علیهم السلام) شهر مدینه بوده که آنجا جایگاه رسول خدا بوده و همه مسلمانان نسبت بدان اظهار علاقه می کنند و همچنین می بایست توصیف ساده ای از شهر مدینه و چگونگی استقرار مسلمانان را در آنجا بیان کرد. گفتن این سخنان به کودکان همراه با تأکید بر اینکه اهل بیت (علیهم السلام) همه از فرزندان خانواده پیامبر اسلام بوده اند موجب می شود که آنها بهتر با ائمه آشنا شوند و این آشنایی در ذهن کودکان جای گیرد.

### آشنایی با فضائل اهل بیت (علیهم السلام)

برای آشناسازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام) بهتر است آنها را با فضائل آنها آشنا نمود این روش بهتر قابل اجرا است. چون بیان فضائل اخلاقی و برجستگیهای زندگی اهل بیت (علیهم السلام) برای کودکان به زبان ساده برای آنها قابل فهم است و میزان علاقمندی و دوستی آنها نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) را افزون می کند. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره مقام اهل بیت (علیهم السلام) در روایات متعددی می فرماید: هر کس با محبت اهل بیت (علیهم السلام) بمیرد، شهید از دنیا رفته است، آگاه باشید هر کس با محبت اهل بیت (علیهم السلام) از دنیا برود قبر او زیارتگاه فرشتگان رحمت می شود و هر کس با عداوت و دشمنی اهل بیت (علیهم السلام) از دنیا برود بهشت را استشمام نخواهد کرد<sup>۱</sup>.

### آشنایی با تشویق

یکی از روش های مؤثر در تربیت، روش تشویق فراگیر است که در جای خود بررسی شده، گرچه این روش یک روش کلی در باب تعلیم و تربیت است ولی در فرآیند آشناسازی کودکان با اهل بیت (علیهم السلام) می توان از آن کمک گرفت چون ساختار وجودی انسان به گونه ای است که نیاز به تحسین دارد، اگر در برابر کاری که انجام می دهند مورد توجه و تشویق قرار گیرد، ادامه کار برایش خوشایند و لذت بخش خواهد بود و آنرا به راحتی ادامه می دهد. این نیاز از گرایش های فطری انسان و از دوران کودکی آشکار می شود و در سراسر زندگی او وجود دارد. میل به ستایش و تشویق دیگران در پیشرفت و موفقیت فرد تأثیر فروان دارد و می بایست به این میل پاسخ داده شود و به خاطر همین میل فطری است که هر کودک یا بزرگسالی که در برابر موفقیت یا انجام کاری مورد تشویق قرار می گیرد بسیار مسرور و خوشحال دیده می شود.

### آشناسازی با پرسش و پاسخ

با روش پرسش و پاسخ می توان کودک را با احکام و معارف الهی آشنا ساخت. همانطور که این روش در مدارس رایج است

<sup>۱</sup> همان، ص ۴.

و آموزگاران پس از بیان محتوای درس از دانش‌آموزان در مورد درس بیان شده، پرسش می‌شود می‌توان برای آشناسازی کودکان با اهل بیت(علیهم السلام) از این روش استفاده کرد. بدین طریق که نخست باید با کودکان در مورد اهل بیت(علیهم السلام) سخن گفت و ویژگیهای آنان را با زبان ساده بیان داشت، سپس پرسشهایی را در این زمینه مطرح کرد. مثلاً ابتدا نامها و القاب ائمه اطهار(علیهم السلام) را به کودک یاد داد پس از آن پرسد که امام اول کیست؟ نام پدر و مادرش چیست؟ و ...

روش سؤال و جواب گاه به شکل مناظرات علمی در محافل رسمی و گاه در قالب پرسش‌های دینی مطرح است. گفت و گوهای ائمه اطهار (علیهم السلام) با علماء و پیروان ادیان و مذاهب مختلف به صورت سؤال و جواب برگزار می‌شد و همچنین با فرزندان خود نیز به روش پرسش و پاسخ گفتگو می‌کردند. ائمه اطهار(علیهم السلام) در بسیاری از موارد برای معرفی امام بعدی سؤالات علمی و دینی مردم را به او واگذار می‌کردند چنان که امام حسن عسگری(علیه السلام) برخی از استفتائات شیعیان را به فرزندش مهدی(علیه السلام) محول می‌کرد تا مقام و موقعیت آن حضرت نزد مردم شناخته شود. روزی حضرت علی(علیه السلام) در ارتباط با چند موضوع سؤالاتی از فرزندش حسن و حسین (علیه السلام) نمود که هریک از آنان جوابهای حکیمانه دادند در این حال علی(علیه السلام) به یکی از صحابه خود که در مجلس حضور داشت فرمود این سخنان حکیمانه را به فرزندان بیاموز، زیرا موجب تقویت عقل و عاقبت‌اندیشی می‌گردد.<sup>۱</sup>

### آشنایی با داستان‌های معصومان(علیهم السلام)

کودکان به داستان و قصه علاقمند هستند و دل‌داده داستان‌های جذاب و شگفت‌انگیز هستند این علاقه و رغبت کودکان زمینه اثرپذیری آنها را فراهم می‌کند از این رو می‌توان در تربیت کودکان به خصوص در آشناسازی آنان با اهل بیت(علیهم السلام) از شیوه داستان‌گویی بهره گرفت. انتخاب داستانهای جالب از سیره اهل بیت(علیهم السلام) و ارائه آن با زبان ساده و قابل فهم به کودکان در آشنایی آنان با اهل بیت(علیهم السلام) تأثیر بسیار دارد. قرآن کریم به نقش مثبت و سازنده داستان اشاره کرده و می‌فرماید: در بیان آثار و داستان‌هایی از سرگذشت پیشینیان عبرتی است برای صاحبان خرد. در سیره معصومان(علیهم السلام) نیز داستانهای جالب و آموزنده‌ای وجود دارد که با ارائه آنها به کودکان ضمن یادگیری محتوای داستان، با اهل بیت(علیهم السلام) نیز آشنا می‌گردند. اگر پدران و مادران در محیط خانه به جای انجام کارهای غیرضروری یا تماشای فیلم‌های غیرضروری فرزندان خود را با داستانهای اهل بیت(علیهم السلام) آشنا کنند و یقیناً نتایج قابل توجهی در آشناسازی کودکان با معصومان(علیهم السلام) را در برخواهد داشت. پنندهای آموزنده معصومان(علیهم السلام) با جذابیت و محتوای خاص چنان بر روح و روان انسان تأثیر می‌گذارد که در سراسر زندگی همراه انسان خواهد بود و فرد را به خدا و اولیای خدا علاقمند می‌سازد. کودکان به خاطر استعداد خاصی که دارند بهتر سخنان بزرگان را می‌پذیرند پس بهتر است پند و اندرزهای معصومان را در این دوران به آنها آموخت.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> همان، ص ۸-۷.

<sup>۲</sup> همان، ۹-۱۰.

## فصل ششم: اصول تربیت دینی کودک

### اصول تربیت دینی کودک

انتظار ما از مذهب آن است که برای طرز برخورد ما با پدیده‌ها و موجودات، ضابطه‌هایی معین کند. مذهبی چون اسلام که مدعی خاتمیت است، باید ضابطه‌هایش متعدد و دارای کلیت باشد به طوری که تمام جوانب زندگی آدمی را فراگیرد و به زندگی رنگی دهد و بایست برای تمامی زندگی ما خط‌مشی معین کند. یکی از امور مورد بحث تربیت، فرزند آن هم از نوع اسلامی است. مسلماً اسلام که دین کاملی است هرگز تربیت فرزند را نادیده نگرفته و برای آن اصول و ضوابطی قرار داده است.

شیوه‌های مختلفی در تعلیم و تربیت کودکان به کار گرفته شده که هر یک از آنها با توجه به شرایط و زمینه‌های مخاطب می‌تواند مفید و کارساز باشد.

حال برای برنامه‌ریزی در تربیت کودک به ناچار باید شیوه مناسبی را برگزیده و به تدریج با بکارگیری هم‌زمان روش‌های مختلف به یافتن راه مناسب در تربیت اقدام کرد. بر همین اساس نکات مختلفی که توجه به آنها در برنامه‌ریزی تربیتی کودک ضروری اشاره می‌کنیم.

### اصل اول: توجه به توان و ظرفیت افراد

در اعمال مذهبی باید به وضعیت جسمانی، روانی، فکری و عاطفی مخاطب توجه کرد. از یک کودک ۷ ساله نمی‌توان انتظار همراهی با شما در جلسات چند ساعته دعا و مناجات را داشت.

بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که بیشتر افرادی که دارای گرایش‌های مذهبی ضعیف می‌باشند به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. کسانی که آگاهی کافی در زمینه مذهبی پیدا نکرده‌اند و در این زمینه کسانی آنها را آگاه نکرده است.
  ۲. کسانی که با سخت‌گیری و خشونت به تربیت مذهبی آنها پرداخته شده است. چرا که روشن است کودکی که از همان آغاز حیات از عبادت و دین‌داری خسته شود در آینده به اعمال عبادی چندان اهمیتی نخواهد داد.
- اساساً آموزش‌های دینی باید دارای انعطاف و متناوب با توانایی کودکان در سنین مختلف باشد پس قبل از سن تکلیف نباید با تکالیف سخت و طاقت‌فرسا احساس تنفر در کودک ایجاد نماییم.

در این باره نکات قابل توجهی در سیره رفتاری امام خمینی (قدس سره الشریف) مشاهده می‌شود که بیان برخی از آنها مناسب است. امام در مسائل شرعی همانند بقیه مسائل خیلی سخت‌گیری نمی‌کردند. هیچ‌گاه مسائل شرعی را به فرزندان نشان دیکته نمی‌کردند، بلکه آنها زمانی که عملاً رفتار امام را می‌دیدند خود به خود تأثیر می‌پذیرفتند.

امام (قدس سره الشریف) هیچ‌گاه به فرزندان خود نمی‌گفت: وقت اذان است، دست از کارتان بردارید و نماز بخوانید بلکه از آنها می‌خواست نماز خود را در خلال وقت نماز به جا آورند و به آنها می‌گفت: وای به حال کسی که نمازش را نخواند. از همه مهمتر خود ایشان پس از اذان، وضو می‌گرفت و در اول وقت به نماز می‌ایستاد.<sup>۱</sup>

در پایان این بخش، توجه به فتوایی از امام خمینی (قدس سره الشریف) در مورد این موضوع مناسب است:

از ایشان سؤال می‌شود که بیدار نمودن افراد خانواده برای نماز صبح با چه کیفیتی مجاز است؟

در پاسخ گفته می‌شود: اگر بیدار نکردن آنها موجب سهل‌انگاری و استخفاف به نماز باشد باید آنها را بیدار کرد.<sup>۲</sup>

## اصل دوم: مسامحه و تغافل

کودکان و نوجوانان از علایق، انگیزه‌ها، هیجانات و ویژگی‌های متغیر و ناپایداری برخوردار هستند، پس انتظار برخی والدین از فرزندان خویش برای انجام رفتارها و اخلاق اسلامی و مطابق با خواست و میل آنها و بدون هیچ خطا و اشتباهی توقع بی‌جایی است. گاه تذکر بیش از حد ممکن است، رفتارهای درونی شده قبلی آنها را تضعیف کرده و اثر معکوس بر جای بگذارد. بنابراین گاه تأثیر تغافل و چشم‌پوشی از تذکر مستقیم بسیار بیشتر بوده و این نوع برخورد برای رعایت حرمت و حفظ شخصیت اخلاقی کودک لازم و ضروری است. در برخی مواقع نیز مناسب است پس از گذشت مدت زمانی از ارتکاب خطا به کودک در آن خصوص تذکر دهیم.<sup>۳</sup>

## اصل سوم: آماده‌سازی روانی کودک

آماده‌سازی‌های عاطفی و روانی در تربیت دینی کودکان از اهمیت خاصی برخوردار است. قبل از اینکه مفاهیم و الگوهای دینی را بیان کنیم بایست آمادگی درونی متناسب با رغبت‌های کودک در او ایجاد شود.

اگر مفاهیم و ارزش‌های دینی در موقعیت‌های ناخوشایند و زمانی که فرد به لحاظ عاطفی و شرایط روانی و ذهنی و حتی شرایط جسمانی، آمادگی کافی را نداشته باشد، ارائه گردند، اثر مخربی در تربیت معنوی او خواهد داشت.

<sup>۱</sup> برداشت از فصل‌نامه تخصصی در حوزه روان‌شناسی، شماره ۱، ص ۱۱۲ تا ۱۱۰.

<sup>۲</sup> روح‌الله خمینی، استفتائات امام، ج ۱، ص ۱۳۳.

<sup>۳</sup> برداشت از فصل‌نامه تخصصی در حوزه روان‌شناسی، شماره ۱، ص ۹۲.

وقتی کودک از درون ناآرام است، هیچ پیامی از بیرون به او منتقل نمی‌گردد هر چند این پیام زیبا و دلنشین باشد. پس مفاهیم دینی باید از راهی به کودک القاء شود که با طبع و روان او سازگار باشد وگرنه کودک از آن مفاهیم گریزان خواهد شد و هرگز آنها را نخواهد پذیرفت.<sup>۱</sup>

## اصل چهارم: گفتار غیر مستقیم

تأثیر گفتار غیر مستقیم خیلی بیشتر از شیوه‌های مستقیم است، پیشوایان اسلام بر تبلیغ عملی در مقابل تبلیغ زبانی تأکید نموده است.

البته این بدان معنی نیست که تبلیغ مستقیم هیچ‌گونه تأثیری ندارد و در هیچ موقعیتی نمی‌توان از آن بهره گرفت بلکه بهتر است ابتدا با استفاده از نگاه‌های علمی و برون دینی به تدریج مخاطب را به متن دین نزدیک کرد و آن‌گاه خود، با قرار گرفتن در فضای دین تقاضای بحث مستقیم و درون دینی خواهد داشت.

روش‌های کنونی تعلیم و تربیت غالباً خسته‌کننده و تکراری است و بدون آماده‌سازی و ایجاد شوق، به صورت مستقیم با مخاطب رابطه برقرار می‌کنند، پس در نتیجه روش‌های تربیتی مذکور یا بی‌فایده و بی‌تأثیر است و یا اثر معکوس می‌گذارد و فرد را از دین و اخلاق گریزان می‌سازد چون تکرار محرک‌های یکنواخت موجب دلزدگی و بی‌زاری فرد می‌شود.<sup>۲</sup>

## اصل پنجم: تصویرپردازی و تجسم بخشی به مفاهیم دینی

یکی از پایدارترین و در عین حال خوشایندترین یادگیری‌ها، یادگیری مشاهده‌ای است. هنر یک مربی مذهبی آن است که مفاهیم دینی و آیات الهی را با تصاویر زنده، لحظات نشاط‌آور و احساسات شورانگیز به کودک عرضه کند و به استدلال و نصیحت بسنده نکند. یکی از آن راه‌ها داستان‌سرایی است. قصه و حکایت نه تنها برای کودکان بلکه برای بزرگسالان جذاب و مؤثر است. کودکان از شنیدن داستان لذت برده و سعی در تطبیق خویش با قهرمان داستان می‌نمایند. البته انتخاب نوع داستان و کیفیت بیان و تشریح آن از موضوعات قابل تأمل در برنامه‌ریزی است.<sup>۳</sup>

قرآن نیز برای تربیت انسان‌ها از داستان‌های زیادی چون داستان پیروی موسی از مرد صالح (حضرت خضر)، برای نشان دادن تواضع و بردباری و همچنین در سوره کهف داستان اصحاب غار را بیان کرده که برای نشان دادن زنده‌دلی می‌باشد (آیات ۱۳ و ۱۴ سوره کهف).

## اصل ششم: تنوع الگوها

انسان در سنین جوانی از اخلاق همه اطرافیان کم و بیش تأثیر می‌پذیرد. پدر و مادر، هم‌سالان، ورزشکاران، هنرمندان و ... این افراد همگی به نحوی الگوی او می‌شوند. همچنین تأثیر شخصیت الگوها در شکل‌گیری رفتار و منش کودکان یا تثبیت اخلاقی و اجتماعی آنان فوق‌العاده مهم است، لذا هر قدر این الگوها زیبا، محبوب، دوست‌داشتنی، منطقی، مصمم،

<sup>۱</sup> همان، ص ۱۳.

<sup>۲</sup> کریمی، برداشت از رویکردی نمادین به تربیت دینی یا تأکید بر روش‌های اکتشافی، ص ۱۴۷.

<sup>۳</sup> همان، برداشت از چگونگی تقویت و تثبیت نگرش و رفتار دینی در دانش‌آموزان، ص ۵۰-۴۹.

عاطفی و مهربان باشند بر میزان تأثیرپذیری افزوده می‌شود. الگوهای یکنواخت و هم‌ردیف باعث دلزدگی فرد شده و نیاز او را برطرف نمی‌کند. دقیقاً بر همین اساس است که خداوند در قرآن کریم از الگوهای متفاوت و گوناگونی یاد کرده است. مانند پیامبران الهی و قهرمانان جوانی همچون اصحاب کهف و بانوان نمونه همچون مریم و آسیه و ده‌ها الگوی متنوع دیگر که هر یک در شرایط و موقعیتی متفاوت از دیگری قرار دارند.<sup>۱</sup>

در این روش چشم به مسائل احاطه دارد و اهمیت گوش در درجه دوم است. برای اولین باری که مسأله وضو مطرح شد بنا به روایات مذهبی جبرئیل عملاً در برابر پیامبر وضو گرفت و پیغمبر نیز آن را دید، فراگرفت و بدان عمل کرد.

پیامبر ع در مورد نماز فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي صَلِّي»؛ «همانگونه که می‌بینید من چگونه نماز می‌گذارم شما نیز نماز بگذارید».

از طریق ارائه الگو به آسانی می‌توان مسائل مذهبی به ذهن کودکان منتقل کرد و آنان را به عمل واداشت.<sup>۲</sup>

### اصل هفتم: احترام و محبت به مخاطب

یکی دیگر از نکاتی که رعایت آن در فرایند تربیت دینی لازم است، حفظ شخصیت کودک می‌باشد. مربی باید بدون کمترین برخورد با شخصیت کودک و آسیب زدن به آن، برنامه خویش را دنبال کند. در غیر این صورت ورودی‌های کودک بر مربی بسته شده و دیگر کودک پذیرای مربی نخواهد بود و حالت تدافعی به خود می‌گیرد.

این واقعیت در برخوردهای امامان (علیهم السلام) بسیار مشاهده می‌شود. نمونه بارز آن داستان آموزش وضو به پیرمردی است که وضویش را به شیوه‌ای غلط انجام می‌داد. حسنین (علیهم السلام) از او خواستند میان آن دو داوری کرده و بگویند وضوی کدام بهتر است. پیرمرد با مشاهده وضوی آن دو متوجه اشتباه خود گردید و از آن دو بزرگوار سپاسگزار کرد.

روان‌شناسان عاطفه را خمیرمایه گرایش‌های مذهبی می‌دانند به این معنی که هر قدر پیوند محبت و انس بین کودک و مربی باشد بر میزان جلب و جذب کودک افزوده می‌شود.

عباراتی زیبا همچون «پاشو عزیزم وقت نماز است» همراه با نوازش و بوسه جهت بیدار کردن کودک برای نماز صبح در گرایش و علاقه او به نماز تأثیر فراوان خواهد داشت.

اساساً در تربیت دینی فرزندانمان باید از امر و نهی شدید و تذکرات مکرر پرهیز نماییم زیرا این روش برخورد، زمینه پیدایش روح مقاومت در افراد را فراهم می‌آورد. جریحه‌دار کردن عواطف، افشاگری، رسواسازی، تحقیر و امثال آن از آثار زیانبار فراوانی برخوردار است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> برداشت از فصل‌نامه تخصصی در حوزه روان‌شناسی، همان، ص ۱۱۶.

<sup>۲</sup> همان، برداشت از پرورش مذهبی کودک، ص ۲۶.

<sup>۳</sup> همان، برداشت از هدایت نوجوانان به سوی نماز، ص ۵۳.

## فصل هفتم: اصول تربیت دینی کودک (۲)

### اصل هشتم: تشویق به جای تنبیه

تشویق بدون تردید از مهم‌ترین ارکان روان‌شناسی تربیتی و عاملی مؤثر در تحریک انگیزه‌ها و پیشرفت افراد در یادگیری می‌باشد.

تشویق از نیازهای اساسی انسان‌هاست، چه کودکان و چه بزرگسالان نیازمند به تشویق می‌باشند پس بایست شیوه‌های تشویق افراد به اقتضای سنشان و میزان درک و فهم آنها متفاوت باشد.

گاهی ممکن است گفتن یک عبارت محبت‌آمیز و یا تعریف کردن از کودک در مقابل دیگران و یا دادن یک بسته مدادرنگی و یا یک شیرینی و گاه گفتن یک آفرین یا مرحبا و یا خندیدن به او و در آغوش گرفتن، تأثیر به سزایی در وجود کودک بگذارد. البته معمولاً کودک توجه زیادی به هدیه‌ای که مادر برایش تهیه می‌کند، دارد.

نکته‌ای که در اینجا ذکرش لازم است این است که رفتارهای عملی والدین می‌بایست با تشویق‌ها هماهنگ باشد. یکی از اموری که خود باعث تشویق کودک می‌شود توجه پدر و مادر و تعهد آنها به امور و تکالیف دینی می‌باشد. اگر پدر و مادر عملاً به کودک آموزش امور دینی را دهند این خود عامل محرکی است که کودک را به انجام امور دینی وادار می‌نماید. در مقابل تنبیه کردن کودک به خاطر انجام ندادن امور دینی اثر بدی بر جای خواهد گذاشت.

تشویق و ترغیب، راه پیشرفت و ترقی را بر کودکان بازتر نموده و شعله امید را در وجود آنها روشن‌تر می‌کند. والدین و مربیان نیز در سایه تشویق و تحسین می‌توانند سرمایه‌ها و استعدادهای بالقوه کودکان را کشف نموده و برای شکوفا شدن این استعدادها تلاش کنند.<sup>۱</sup>

کودک هر عملی نیکی که انجام می‌دهد انتظار دارد در مقابل آن پاداشی دریافت کند. والدین می‌بایست این انتظار را برآورده نمایند اما برآورده کردن این انتظار نباید منجر به دادن رشوه شود و این عمل برای او شرطی شود که در مقابل

<sup>۱</sup> برداشت از فصل‌نامه تخصصی در حوزه روان‌شناسی، صاحب امتیاز مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران، معاونت پژوهش، همان، ص ۱۱۸-۱۱۶.



انجام هر کار درستی، پاداشی دریافت کند. کودک باید عمل خوب را به عنوان وظیفه شخصی انجام دهد بدون آنکه توقع پاداش داشته باشد و والدین هم باید به عنوان اینکه او فردی وظیفه‌شناس است و توانسته وظیفه‌اش را به خوبی انجام دهد او را تشویق کنند. بهتر است تشویقات صورت مالی به خود نگیرد. هرگز نباید گفت: اگر نماز خواندی فلان چیز را برایت می‌خرم. بلکه کودک بایست خواندن نماز را مانند سایر اعضاء خانواده برای خود یک وظیفه بداند و همچنین تشویق ما به منزله رضایت ما از انجام وظیفه او باشد و اینکه ما خوشحالیم که او عملش را درست انجام داده است و هر چه بزرگتر می‌شود به او یاد دهیم همانطور که ما از انجام صحیح اعمال او خوشحال می‌شویم خداوند هم از انجام دادن اعمال او راضی و خشنود می‌شود.

## اصل نهم: تدریج و تمرین

برای اینکه کودک آمادگی کافی جهت پذیرش مسائل دینی داشته باشد بهتر است از سال‌های پیش از بلوغ، آرام آرام و به تدریج آنها را با وظایف دینی خود آشنا کنیم و با تمرین کردن این وظایف به انجام آنها عادتشان دهیم تا اینکه زمانی که به سن بلوغ رسیدند با آگاهی بیشتری به انجام آنها روی آورند.

امام خمینی (قدس سره الشریف) عقیده داشتند که قبل از اینکه کودک به سن تکلیف برسد باید او را با کارهای خوب و بد آشنا کرد و آنها را نسبت به مسائل شرعی آگاه نمود. ایشان گاه از پسر هشت ساله‌ای درباره نمازش جويا می‌شد و می‌فرمود: بچه‌ها باید قبل از سن تکلیف به نماز بایستند تا به آن عادت نمایند.

عباداتی که کودک به صورت تمرینی انجام می‌دهد در روح و جانش تأثیرات مثبتی می‌گذارد اگر چه کودک معنا و مفهوم الفاظ نماز را نمی‌فهمد ولی معنای توجه به خدا و راز و نیاز به درگاه او و یاری گرفتن از او را در همان دوران کودکی به خوبی دریافت می‌کند. پس امیدوار بار آمده و همیشه در تمام لحظات عمرش برای خود تکیه‌گاه و پشت و پناهی می‌بیند.<sup>۱</sup>

البته نباید فراموش کرد که از شتابزدگی و اجبار پیش از رسیدن وقت تکلیف کودک دوری کرد. برای هر تربیتی یک سرعت بهینه وجود دارد و افراط در سرعت همان قدر زیان‌بخش است که کندی در آن.

## اصل دهم: تأثیرپذیری از والدین

کودکان همواره به پدر و مادر خود به عنوان کامل‌ترین انسان‌ها نگاه کرده و آن دو را ایده‌آل خود دانسته‌اند و حتی در سال‌های بعد نیز که این پندار خود را نادرست می‌یابند باز این آرزو را دارند که کامل‌ترین و بهترین باشند.

این واقعیت نشان‌دهنده تأثیرپذیری فرزندان از والدینشان است. در واقع تأثیرپذیری کودکان از والدین مانند رابطه یک گیاه با نور خورشید است همانطور که گیاه از نور خورشید تأثیر می‌پذیرد و همراه با نور به جهت‌های مختلف می‌گردد کودک هم با هر روشی که پدر و مادر به کار ببرند خو گرفته و آنرا به کار می‌برد.

<sup>۱</sup> محمدتقی فلسفی، همان، ج ۲، ص ۱۹۹.

بنابراین یکی از راهکارهای علمی و مفید در تشویق کودکانمان به ایمان و دینداری تعهد عملی والدین به آموزه‌های دینی است. وقتی که کودک می‌بیند والدین نسبت به امور مذهبی دقت نظر دارند و در اوقات نماز با اشتیاق به عبادت مشغول می‌شوند و زمانیکه کودک می‌بیند که بهترین حالت پدر و مادر در زمان عبادتشان است آن هنگام است که نماز و عبادت به زیباترین شکل در صفحه ذهن و روان کودک نقش می‌بندد.

نقش مادر به دلیل رابطه عاطفی که با فرزند دارد، بسیار حائز اهمیت است. در یک مطالعه آماری معلوم شد که ۹۰٪ نمازگزاران نماز را از خانه آموخته‌اند و ۷۰٪ این افراد معتقد بودند که نماز را از مادرانشان یاد گرفته بودند. این میزان تأثیرگذاری در کودک تنها منحصر به والدین نیست بلکه شامل نزدیکان آنها نیز می‌شود. گاه ممکن است یک عمو، دایی یا معلم در حد پدر و مادر نقش ایفا کند.<sup>۱</sup>

### اصل یازدهم: مشاوره

پیچیدگی شخصیت کودکان و آثار زیانباری که از بی‌تجربگی خانواده‌ها وجود دارد اقتضا می‌کند که والدین پیوسته با کارشناسان مسائل تربیت دینی در ارتباط بوده و بدین‌وسیله راه حل مناسب و کم‌خطری برای مشکلات اخلاقی و مذهبی فرزندان بیابند.

درست است که به وسیله مشاور همه مشکلات حل نمی‌شوند اما به وسیله آن تا حدودی از حجم زیاد مشکلات کاسته شده و باری از دوش والدین برداریم.<sup>۲</sup>

### اصل دوازدهم: عشق به زیبایی و جمال

ایمان به خداوند جمیل در واقع ایمان به زیبایی است. عشق اکسیر تربیت دینی و سازنده زندگی و معنادهنده به آن و جهان اطراف آن است. عشق چنان نیرویی دارد که به وسیله آن می‌توان از غیر معشوق دل کند و به آزادی مطلق دست پیدا کرد.

بدون عشق هیچ رابطه‌ای میان انسان‌ها و انسان با طبیعت و انسان با خدا به صورت پایدار و استوار برقرار نمی‌شود. خوب نگاه کردن به طبیعت و خوب شنیدن آوای جهان هستی خود به خود باعث رشد حس مذهبی و گرایش به سمت خالق هستی می‌شود. در قرآن کریم نیز به سیر در آفاق و اندیشیدن در مورد جهان هستی سفارش اکید شده است.

بر والدین و مربیان لازم است که زیبایی‌های دین را بشناسند و آن را به همان صورت زیبا برای فرزندان معرفی کنند.

گاه پدری بس از خواندن نماز این جمله را به زبان می‌آورد (آه! راحت شدم) و یا مادر پس از برگشت به منزل حجاب خود را به کناری پرت کرده و چنین می‌گوید: (آه! چقدر گرمه) و گاه در روزهای آخر ماه رمضان در مقابل فرزندانمان از طولانی شدن این ماه ابراز ناراحتی می‌کنیم.

<sup>۱</sup> برداشت از فصل‌نامه تخصصی در حوزه روان‌شناسی، همان، ص ۱۲۰.

<sup>۲</sup> همان.

همه مواردی که گفته شد در خراب کردن چهره زیبای ایمان و دینداری در ذهن فرزند مؤثر است.<sup>۱</sup>

### اصل سیزدهم: همراهی با مخاطب

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: ما پیامبران با مخاطبان به اندازه عقل و درکشان سخن می‌گوییم. بنابراین برای فهماندن مفاهیم به مخاطبان باید در حد فهم و شناخت آنها سخن گفت و یک مبلغ مذهبی باید خود را هم سطح مخاطب خویش قرار داده و گام به گام مخاطب را به اهدافش نزدیک نماید.

پیامبر اکرم ع در این زمینه می‌فرمایند: هر کس کودکی در خانه دارد باید خود را برای او به شکل کودکی درآورد.

هر که با کودک سر و کارش افتاد      زبان کودکی باید گشاد

امام صادق ع در این زمینه از پیامبر ع نقل می‌کنند که:

روزی پیامبر ع قصد خواندن نماز را داشت و حسین (علیه السلام) در کنار ایشان بود. هنگامی که پیامبر تکبیر نماز را گفت حسین (علیه السلام) نتوانست تکرار کند لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ذکر تکبیر را هفت مرتبه تکرار کردند تا حسین (علیه السلام) توانست ذکر الله اکبر را بر زبان جاری کند.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup>. همان، ص ۱۲۱.

<sup>۲</sup>. همان، ص ۱۲۳.

## نتیجه گیری

روانشناسی تربیتی، کودک را موجودی در حال بالیدن، جدا و منفرد از دیگران و یک کل تجزیه‌ناپذیر تعریف می‌کند و از نظر اسلام کودک بامنفعت‌ترین نعمتی است که خداوند به بندگان عطا کرده و نعمت والایی است که منبع خیر و برکت است و سود دنیا و آخرت برای والدینی که فرزندان مؤمن و شایسته تربیت می‌کنند وجود دارد در جهان امروز تربیت کودک یکی از مهمترین مسائل اجتماعی در زندگی خانواده‌هاست.

پس باید با بهترین نوع تربیت که همان تربیت مذهبی است کودک را تربیت کرد. قسمت عمده مشکلات اجتماعی و آلودگی‌های اخلاقی جوانان از محیط خانواده گرفته می‌شود و به دلیل تربیت نادرست در دوران کودکی می‌باشد که سبب ایجاد مشکلات روحی و معنوی کودکان می‌گردد.

والدین باید از همان اوان کودکی به امر تربیت کودک خود توجه کنند.

باید بسیاری از واجبات و محرمات زندگی را متناسب با سن کودک به او آموزش داد. بین پسر و دختر از جهات گوناگون تفاوت‌هایی وجود دارد و این تفاوت‌ها سبب ایجاد تفاوت در نظام تربیتی آنها می‌شود. بهترین نوع تربیت از نظر اسلام تربیتی است که متناسب با فطرت و طبیعت انسان باشد. کسانی که در تربیت کودک نقش دارند به سه دسته ۱- والدین ۲- افراد اجتماع و ۳- وسایل ارتباط جمعی تقسیم می‌شوند که هر کدام به طریقه خاص در تربیت کودکان مؤثرند.

در پرورش اخلاقی خوب بودن اخلاق به این معنی نیست که کودک ما کم حرف، کم رو و مطیع باشد بلکه او باید به خودسازی، معاشرت نیکو، ادای وظایف بر اساس آنچه خدا خواسته و دوری از کذب و حسادت و کینه‌توزی عادت داد. بخش مهمی از وظایف والدین نسبت به فرزندان پرورش و تقویت عواطف انسانی و هدایت احساسات آنها را تشکیل می‌دهد و این جزء در سایه مراقبت‌های دائمی و ارتباطی سرشار از مهر و لطف برآورده نخواهد شد.

در یک نگاه کلی می‌توان روش‌های تعلیم و تربیت را در شش دسته تقسیم‌بندی کرد. روش عاطفی، روش امیدساز، روش امتناعی، روش عنایت‌آمیز، روش هشداردهنده.

در اعمال مذهبی باید به وضعیت جسمانی، روانی، فکری و عاطفی مخاطب توجه کرد. اگر مفاهیم و ارزش‌های دینی در موقعیت‌های ناخوشایند و زمانی که فرد به لحاظ عاطفی و شرایط روانی و ذهنی و حتی شرایط جسمانی آمادگی کافی را نداشته باشد ارائه گردند اثر مخربی در تربیت معنوی او خواهد داشت.

روش‌های کنونی تعلیم و تربیت غالباً خسته‌کننده و تکراری است و بدون آماده‌سازی و ایجاد شوق، به صورت مستقیم با مخاطب رابطه برقرار می‌کند، پس در نتیجه روش‌های تربیتی مذکور یا بی‌فایده و بی‌تأثیر است و یا اثر معکوس می‌گذارد و فرد را از دین و اخلاق گریزان می‌سازد چون تکرار محرک‌های یکنواخت موجب دلزدگی و بی‌زاری فرد می‌شود.

هدف اصلی از تربیت، درونی کردن ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی و دینی در جان آدمیان است بنابراین تلاش والدین و مربیان باید بر اعطای بینش و شعوری نو به کودک و پیوند دادن مفاهیم و ارزش‌ها با احساسات و عواطف آنها باشد. پیچیدگی شخصیت کودکان و آثار زیانباری که از بی‌تجربگی خانواده‌ها به وجود می‌آید اقتضا می‌کند که والدین پیوسته با کارشناسان مسائل تربیت دینی در ارتباط بوده و بدین وسیله راه‌حل مناسب و کم‌خطری برای مشکلات اخلاقی و مذهبی فرزندان بیابند.

## منابع و مآخذ

✽قرآن کریم.

۱. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، سازمان چاپ انتشارات اسلامی تهران، پاییز ۷۵.
۲. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، انتشارات ام‌ابیه، چاپ باقری، چاپ شانزدهم، قم، سال ۸۰.
۳. اکرمی، سیدکاظم، تعلیم و تربیت اسلامی از منظر امام خمینی (رحمه الله)، شماره ۵۰، سال سیزدهم، ۱۳۸۳.
۴. اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، انتشارات دلیل ما، چاپ و نگارش ناصر غفراللهی، قم، بهار ۸۱.
۵. پیک زائر، ماهنامه بین‌المللی فرهنگی اعتقادی، شماره اول، مرداد ۸۲، صاحب امتیاز مؤسسه فرهنگی قدس آستان قدس رضوی.
۶. خمینی، روح‌الله، استفتائات امام از محضر رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی، جلد ۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم ۱۳۶۶.
۷. حجتی، سیدمحمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ و نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بهمن ۵۸.
۸. جمیلی، طاهّا، سفارشات پیامبر اکرم به دختران و زنان، مترجم سیدمهدی شمس‌الدین، انتشارات دارالفکر، قم، پاییز ۷۹.
۹. شاپوریان، رضا، نقش پدر و مادر در سازندگی کودک، مجله پیوند، شماره ۳، دی ماه، ۱۳۸۵.
۱۰. شبّر، عبدالله، اخلاق شبّر، مترجم محمدرضا جباران، انتشارات هجرت، قم ۱۳۸۰.
۱۱. شهرریزی، فرحناز، آموزه های تربیتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، کیهان فرهنگی، شماره ۲۴۵، اسفند ۱۳۸۵.
۱۲. فصلنامه تخصصی در حوزه روان‌شناسی، شماره ۱، صاحب امتیاز مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، معاونت پژوهش بهار ۸۴.
۱۳. فاضلی، علی، جایگاه روشهای تنبیه در تعلیم و تربیت، چاپ سوم، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، چاپ طلوع آزادی، ۱۳۸۵، بی‌جا.
۱۴. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی از نظر وراثت و تربیت، بخش دوم، چاپ ۱۸، نشر معارف اسلامی، ۱۳۶۲، بی‌جا.
۱۵. قائمی، علی، اسلام و تربیت دختران، مجموعه بحثهای رادیویی، چاپ پنجم، چاپ طلوع آزادی، بهار ۶۴، بی‌جا.

۱۶. کلینی، ثقة الاسلام، **اصول کافی**، مترجم آیت الله شیخ محمدباقر کمره‌ای، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپخانه بزرگ قرآن کریم، چاپ اول، بی‌جا.
۱۷. کریمی، **رویکردی نمادین به تربیت دینی یا تأکید بر روشهای اکتشافی**، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۸، بی‌جا.
۱۸. مظاهری، حسین، **تربیت فرزند از نظر اسلام**، انتشارات امیرکبیر، چاپ و نشر بین‌الملل، تهران، ۸۱.
۱۹. موسوی زنجارودی، سیدمجتبی، **تربیت مذهبی کودک**، انتشارات میثم تمار، چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی، زمستان ۷۷، بی‌جا.
۲۰. میخبر، سیما و دیگران، **ریحانه بهشتی**، قم، نورالزهر، ۱۳۸۲.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، بنتقه حاج سیدجواد علوی و حاج شیخ محمد آخوندی، سرای حاج حسن شرکت طبع بحار الانوار، جلد ۷۲ و ۱۰۴، تهران، بی‌تا.
۲۲. مدرن، یوسف، ترجمه و تلخیص بهروز رفیعی، **مجله تربیت اسلامی**، ویژه تربیت جنسی، شماره ۸، پاییز، ۱۳۸۳.